

پیوست روش‌شناسی شاخص توسعه ملی ایران (گزارش مقدماتی)

فهرست مطالب

۱- اهداف، فلسفه و مأموریت گزارش ملی توسعه ایران	۳
۱-۱- اهداف کلی	۳
۲-۱- نتیجه	۳
۳-۱- دستاورد مورد انتظار در بلندمدت	۴
۴-۱- مخاطب گزارش	۴
۲- روش تولید شاخص ترکیبی	۴
۱-۲- توسعه چارچوب مفهومی و نظری	۴
۲-۲- انتخاب زیرشاخص‌ها و متغیرها	۵
۳-۲- بررسی داده‌های ناقص	۵
۴-۲- تحلیل‌های چندمتغیره	۶
۵-۲- نرمال‌سازی و همسان‌سازی داده‌ها	۶
۶-۲- وزن‌دهی و تجمیع‌سازی	۶
۷-۲- تحلیل حساسیت	۷
۸-۲- بازگشت به داده‌ها	۸
۹-۲- ارتباط با سایر شاخص‌ها	۸
۱۰-۲- نمایه‌سازی نتایج	۸
۱۱-۲- اعتبارسنجی شاخص‌های ترکیبی	۸
۳- روش فازبندی طرح گزارش توسعه ملی	۱۰
۴- روش انتخاب تعریف توسعه	۱۱
۵- روش انتخاب شاخص‌ها	۱۲

- ۳۶ ۶- روش انتخاب کشورهای مورد مقایسه با ایران
- ۴۰ ۷- روش توسعه در یک نگاه
- ۴۰ ۱-۷- روش شناسی تجمیع شاخص‌ها و فراشاخص توسعه
- ۴۱ ۲-۷- روش شناسی نردبان توسعه
- ۴۲ ۳-۷- روش شناسی شاخص توسعه متوازن
- ۴۳ ۴-۷- دسته‌بندی کشورها بر اساس توسعه‌یافتگی
- ۴۴ ۵-۷- محاسبه نرخ رشد هر یک از شاخص‌ها برای ایران
- ۴۴ ۶-۷- پیش‌بینی ایران ۲۰۴۰
- ۴۴ ۷-۷- روش شناسی تحلیل SWOT
- ۴۵ ۸-۷- روش شناسی نقشه توسعه
- ۴۶ ۹-۷- روش شناسی شاخص توان تبدیل پول به توسعه
- ۴۶ ۸- روش تحلیل شاخص‌ها

۱- اهداف، فلسفه و مأموریت گزارش ملی توسعه ایران

شاخص‌ها همواره یکی از بحث‌برانگیزترین و پرچالش‌ترین ابزارها برای نمایش وضعیت توسعه یک کشور بوده‌اند. از شاخص‌ها در دهه‌های اخیر در ایران نیز به‌عنوان ابزاری برای نمایش کارآمدی یا ناکارآمدی دولت‌ها و حتی کل حکومت استفاده شده است.

یکی از موارد نقض اخلاق حرفه‌ای ارائه آمار درست اما ناقص است که نمایش‌دهنده تمامی واقعیت نیست. در تمام دنیا این امر به‌عنوان نقض اخلاق حرفه‌ای شناخته می‌شود و عموم مردم برخوردی بسیار تند با ارائه‌های آماری ناقص و نتیجه‌گیری‌های تورش‌دار می‌کنند. اما در کشور ما این امر تقریباً تبدیل به یک رویه شده است و هرکسی حتی در محاسبه و ارائه یک شاخص ساده مانند تورم نیز می‌تواند با استفاده از روش‌های مختلف، آمار را به‌گونه‌ای نمایش دهد که متناسب با منافع و مصالح خود باشد. ضرب‌المثلی بسیار گویا در این زمینه ایجاد شده است که می‌گوید: «داده‌ها را آنقدر شکنجه می‌کنیم، تا به آنچه مدنظر ماست اقرار کنند». چنین نگرشی نسبت به آمار، دروغ‌گویی آماری و نقض اخلاق حرفه‌ای است.

سؤال مهمی که ابتدا باید به آن پاسخ داد این است که فلسفه تولید شاخص توسعه ملی چیست؟ فلسفه اصلی تولید شاخص توسعه ملی توسط پویش فکری توسعه این است که تمامی ابعاد، اجزا و زاویه‌دیدهای ممکن در زمینه توسعه و حداکثر شاخص‌هایی که می‌تواند اطلاعاتی در رابطه با توسعه ارائه کنند را تنظیم و تجمیع کند. در حقیقت می‌توان واقع‌نمایی نیازهای توسعه کشور در یک گزارش جامع و دقیق را فلسفه و خاصیت تولید شاخص توسعه ملی توسط پویش فکری توسعه دانست.

در یک جمله می‌توان فلسفه اصلی گزارش ملی توسعه را این‌گونه بیان کرد:

«اتخاذ رویکرد کلی‌نگر و چندبعدی به مسئله توسعه، در نظر گرفتن شاخص‌های متنوع در نمایش دادن واقعیات، و در نهایت فرار از دروغ‌گویی آماری».

حال باید دید که هدف، نتیجه و دستاورد مورد نظر از گزارش شاخص‌سازی توسعه ایران چیست تا بتوان بر اساس این اهداف و نتایج مورد انتظار روش کار را انتخاب کرد.

۱-۱- اهداف کلی

- ۱- آگاهی‌بخشی درباره ابعاد متنوع توسعه و وضعیت ایران در همه ابعاد
- ۲- ایجاد مطالبه عمومی برای همه ابعاد توسعه
- ۳- ایجاد توجه متناسب به همه ابعاد توسعه و تولید راهکار عملیاتی برای سیاست‌گذاران

۱-۲- نتیجه

- ۱- گزارش مفصل (همراه با چرایی، چگونگی، پیشنهاد برای سیاست‌گذاری و...)
- ۲- گزارش خلاصه برای ارائه به عموم مردم و برای سیاست‌گذاران

۱-۳- دستاورد مورد انتظار در بلندمدت

آگاهی بخشی عمومی، تأثیر بر مطالبه‌گری عمومی، تأثیر بر جامعه مدنی، فشار بر سیاست‌گذاران و تأثیر بر عملکرد آنها، ارائه راهکارهای عملیاتی برای سیاست‌گذاری

۱-۴- مخاطب گزارش

الف) سیاست‌گذاران و مسئولان

ب) عموم مردم، جامعه مدنی و دانشگاهیان

حال که هدف و دستاورد اصلی گزارش ملی توسعه مشخص شد باید به این سؤال پاسخ داد که آیا هدف تنها فرآوری شاخص‌های ارزشی موجود است یا ترکیب و تولید شاخص جدید نیز مدنظر است؟ پاسخ به این سؤال با در نظر گرفتن فازهای مختلف پروژه میسر است. در فاز اول تمرکز بر گزارش تفکیکی است و خیلی بر ترکیب پیچیده تمرکز نخواهیم داشت بلکه بیشتر چرایی وضعیت موجود، شاخص‌ها، و رهیافت‌های لازم برای تغییر در شاخص‌ها را توضیح می‌دهیم. اما در عین اینکه تفکیک در گزارش وجود دارد، در نهایت یک تجمیع ساده خواهیم داشت و کل وضعیت توسعه را هم نمایش می‌دهیم که یک نماد کلی برای بررسی وضعیت ایران وجود داشته باشد و عنوان شاخص توسعه ملی معنادار شود. اصل شاخص‌سازی در فازهای بعدی انجام می‌گیرد.

حال سؤال این است که آیا لازم است نسبت این شاخص با سایر شاخص‌ها مشخص شود؟ یعنی آیا لازم است درباره ارتباط شاخص جدید با شاخص‌های داخلی و خارجی ارزشی موجود توضیحی داده شود؟ این سؤال به فاز سوم مربوط می‌شود. چنانچه در فاز سوم این تصمیم گرفته شود که شاخصی جدید تولید شود، لازم است تمایز این شاخص با سایر شاخص‌های موجود کاملاً مشخص شود و این امر قابل دفاع باشد که چرا تولید شاخص جدید برای توضیح مسئله ایران حائز اهمیت بوده است. به عبارتی لازم است ارزش افزوده شاخص ما نسبت به سایر گزارش‌های موجود مشخص باشد و توضیح داده شود که دقیقاً شاخص جدید چه چیزی به ادبیات شاخص‌سازی موجود اضافه می‌کند.

۲- روش تولید شاخص ترکیبی

در فاز سوم که به تولید شاخص ترکیبی پرداخته می‌شود، از مبنای نظری روش تولید شاخص ترکیبی OECD استفاده می‌شود. تولید شاخص ترکیبی از مفهوم آغاز می‌شود و با شکست مفهومی و پیدا کردن سنجه‌های مناسب به اعتبارسنجی می‌رسد. ما نیز برای تولید شاخص توسعه ملی به تعریف مفهوم توسعه نیاز داریم و پس از آن بقیه مراحل طی می‌شود. در ادامه مراحل روش OECD به‌طور خلاصه شرح داده می‌شوند.

۲-۱- توسعه چارچوب مفهومی و نظری

چارچوب مفهومی صحیح و دقیق، نقطه شروع توسعه یک شاخص ترکیبی قلمداد می‌شود. این چارچوب باید پدیده‌ای را اندازه‌گیری و زیرمجموعه‌های آن را به‌صورت شفاف تعریف کند و سنجه‌ها و اوزانی را که نمایانگر درجه اهمیت نسبی هرکدام از زیرطبقا و

ابعاد می‌باشند، به‌صورت دقیق، بررسی کند. بسیار مهم است که این فرآیند بر مبنای آنچه مطلوب اندازه‌گیری است صورت پذیرد، نه بر مبنای داده‌ها و متغیرهایی که موجود هستند. برای نمونه، تولید ناخالص داخلی ارزش کلی کالاها و خدمات تولید شده در اقتصاد کشورها را اندازه‌گیری می‌کند. در این شاخص، وزن‌ها بر مبنای نظریه‌های اقتصادی و بنابر قیمت نسبی کالاها و خدمات محاسبه می‌شود.

چارچوب نظری و آماری اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی که در طی بیش از پنجاه سال «سیستم حساب‌های ملی» شکل گرفت، بر مبنای بازنگری نهایی سال ۱۹۹۳، امروزه توسط سازمان‌های مسئول در سراسر جهان مورد سنجش قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در مورد همه مفاهیم چندبعدی، چنین چارچوب آماری و نظری یکپارچه و قابل اطمینانی وجود ندارد. در واقع، شاخص‌های ترکیبی توسعه در زمان فعلی در حوزه سیاست‌گذاری (از قبیل توانمندی فناورانه، رقابت‌پذیری، توسعه پایدار، آمادگی کسب‌وکار الکترونیک و سایر موارد)، تا حدود بسیاری، ذهنی هستند؛ چرا که تحقیقات اقتصادی در این حوزه‌ها هنوز تکمیل نشده و در حال تکوین‌اند.

فعالیت‌هایی که در این مرحله باید انجام بگیرد عبارتند از:

- تعریف مفهوم؛ ابتدا مفهومی که برای آن شاخص ترکیبی باید ساخت را به‌طور دقیق تعریف می‌کنیم.
- تعیین زیرگروه‌ها؛
- شناسایی معیارهای انتخابی؛

۲-۲- انتخاب زیرشاخص‌ها و متغیرها

قوت و ضعف نهایی شاخص ترکیبی مبتنی بر کیفیت زیرشاخص‌ها و متغیرهایی است که در این مرحله در چارچوب مفهومی برای توصیف هر جزء از اجزای مفهوم اصلی انتخاب می‌شوند. در حالت مطلوب، متغیرها باید ویژگی‌هایی نظیر: مرتبط‌بودن، دقت تحلیلی، به‌جانب‌بودن و قابلیت دستیابی را داشته باشند. باید به این نکته توجه داشت که در حوزه نوآوری، برخی از سنجش‌ها به‌ویژه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته موجود نیست و یا دارای استانداردهای متفاوتی است؛ این چالش باید در هماهنگی با نظریه‌پردازان رفع شود.

۲-۳- بررسی داده‌های ناقص

وجود داده‌های ناقص، از توسعه یک شاخص ترکیبی منسجم و پایدار جلوگیری می‌کند؛ لذا داشتن یک راهبرد مناسب برای برخورد با چنین داده‌هایی بسیار ضروری است. به‌طور کلی، برای این منظور، سه شیوه ذکر شده است: الف) حذف مورد؛ ب) نسبت‌دادن انفرادی؛ ج) نسبت‌دادن چندگانه. در شیوه اول، با سادگی هرچه تمام‌تر، رکورد حاوی داده‌های ناقص از تحلیل‌ها کنار گذاشته می‌شود؛ اما این روش باعث نادیده‌گرفته‌شدن تفاوت‌های سیستماتیک ممکن میان نمونه‌های کامل و غیرکامل می‌شود. لذا به‌عنوان یک قاعده سرانگشتی توصیه شده است: در صورتی که بیش از پنج درصد مقادیر متغیرها ناقص باشد از این روش استفاده نشود. در شیوه‌های دوم و سوم، تلاش می‌شود تا داده‌های ناقص هم در تحلیل دخالت داده شود؛ اما سعی می‌شود تا داده‌های

ناقص با انتساب مقادیر (مثلا جایگزینی میانگین، میانه و یا نما، انتساب رگرسیونی و سایر موارد مرتبط) یا انتساب چندگانه (مثلا زنجیره‌های مارکوف و یا شبیه‌سازی مونت کارلو) بر این مشکل غلبه شود.

۲-۴- تحلیل‌های چندمتغیره

در طی دهه‌های گذشته، شاهد توسعه شاخص‌های ترکیبی فراوانی از طرف نهادها و سازمان‌های متعدد ملی و بین‌المللی بوده‌ایم. متأسفانه انتخاب سنجه‌ها در این شاخص‌های ترکیبی در بیشتر موارد به صورت سلیقه‌ای و گاه بدون در نظر گرفتن روابط میان سنجه‌ها بوده است. گاهی توسعه چنین شاخص‌هایی منجر به دستپاچگی و گمراه کردن سیاست‌گذاران شده است.

پیش از توسعه شاخص‌های ترکیبی باید ماهیت و طبیعت داده‌های مورد نیاز به دقت مورد تحلیل قرار گیرد. این گام مقدماتی علاوه بر آنکه در ارزیابی برازندگی مجموعه داده‌ها بسیار مفید است، می‌تواند مبنایی برای فهم استنتاجات روش‌شناختی؛ نظیر روش‌های تجمیع و وزن‌دهی را در مراحل بعدی توسعه شاخص ترکیبی نیز فراهم آورد.

در این حالت، تحلیلگر یا توسعه‌دهنده شاخص باید در مورد دو سؤال زیر تصمیم‌گیری کند:

الف) آیا ساختار سلسله‌مراتبی شاخص ترکیبی (توسعه داده‌شده در مرحله اول) به نحو مناسبی تعریف شده است؟

ب) آیا مجموعه سنجه‌های انفرادی موجود (انتخاب‌شده در مرحله دوم) برای تشریح و توصیف پدیده مورد بررسی کافی و مناسب هستند؟

این تصمیمات می‌بایست مبتنی بر نظریه‌های خبرگان و شیوه‌های تحلیل آماری باشد. به عنوان نمونه، تحلیل مؤلفه‌ای اصلی^۱ می‌تواند به منظور پاسخگویی به این سؤالات و اینکه آیا ابعاد در نظر گرفته شده قادر به توصیف پدیده مورد بررسی هستند یا نه؟ مورد استفاده قرار گیرد. در صورتی که خروجی تحلیل عاملی^۲ رضایت‌بخش نباشد، لزوم بازنگری در انتخاب ابعاد و سنجه‌ها ضرورت می‌یابد.

۲-۵- نرمال‌سازی و همسان‌سازی داده‌ها

قبل از اینکه تجمیع‌سازی در مورد داده‌ها صورت پذیرد، به دلیل آنکه داده‌ها بر مبنای مقیاس‌های مختلفی جمع‌آوری شده‌اند، باید طی یک فرآیند تحت هنجارسازی قرار گیرند. روش‌های متعددی برای هنجارسازی داده‌ها وجود دارد.

۲-۶- وزن‌دهی و تجمیع‌سازی

برای وزن‌دهی در توسعه شاخص‌های ترکیبی، تکنیک‌های متعددی (آماری، تحقیق در عملیات) قابلیت کاربرد دارد که برای نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تحلیل عاملی (FA)

1. principal Components Analysis
2. Factor analysis

- تحلیل پوششی داده‌ها^۱ (DEA)
- مدل‌های مؤلفه‌های مشاهده‌نشده^۲ (UCM)
- فرآیند‌های تخصیص بودجه^۳ (BAP)
- فرآیند تحلیل سلسل هم‌رانی^۴ (AHP)
- تحلیل‌های مشترک^۵ (CA)

در کل، ورای اینکه از کدامیک از روش‌های بالا استفاده شود، وزن‌ها ماهیتاً قضاوت‌های ارزشی دارند؛ با این تفاوت که بعضی از روش‌ها صرفاً به مکانیزم‌های آماری برای وزن‌دهی اکتفا می‌کنند، ولی در بعضی روش‌ها (روش‌های جبرانی)، ممکن است تحلیلگر بر مبنای نظرات خبرگان به عوامل یا ابعادی باتوجه‌به تأثیر بیشتر (یا کمتری) که به نظر می‌رسد داشته باشد - به‌منظور انعکاس بهتر اولویت‌های سیاستی یا عوامل نظری - وزن بیشتری تخصیص دهد.

در تحقیقاتی که اخیراً در این حوزه صورت گرفته است، تکنیک‌های پیشرفته‌تری همچون شبکه‌های عصبی مصنوعی^۶ نیز برای هرچه عینی‌تر کردن این فرآیند وزن‌دهی مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه دیگر چنین روش‌های پیشرفته‌تری را می‌توان استفاده از تکنیک‌های شبیه‌سازی (شبیه‌سازی مونت کارلو) دانست. برای نمونه، می‌توان از شبیه‌سازی‌های مونت کارلو به‌منظور تحلیل تأثیر اوزان سنج‌های شاخص ترکیبی بر درجه همبستگی میان شاخص ترکیبی و یک متغیر قابل اندازه‌گیری شناخته‌شده استفاده کرد؛ بدین صورت که در هر مرحله شبیه‌سازی، برای نمونه، اجازه تغییر اوزان سنج‌ها را از صفر تا یک صادر کرد و آنگاه در تعداد تکرار ۱۰۰۰۰ چرخه شبیه‌سازی همین تعداد نمره بر ای این شاخص ترکیبی محاسبه می‌شود. آنگاه رابطه این تعداد نمره شاخص محاسبه‌شده با یک متغیر قابل اندازه‌گیری مشخص مورد بررسی قرار می‌گیرد و می‌توان ضریب همبستگی را در طبقات بیشترین، متوسط، و کمترین حالت تعیین کرد. حال، با در نظر گرفتن بینش پذیرفته‌شده در مورد مثلاً وجود بیشترین همبستگی میان شاخص ترکیبی و متغیر قابل اندازه‌گیری مشخص می‌توان مجموعه وزن‌های مناسب را بر این مبنای انتخاب کرد.

برای روش‌های تجمیع و ترکیب نهایی هم شیوه‌های متنوعی وجود دارد که ذیل دو دسته کلی تراکمی‌سازی خطی و تراکمی‌سازی هندسی مطرح می‌شوند. در حالتی که تمام سنج‌ها از واحد اندازه‌گیری یکسان برخوردار باشند، آنگاه به شرط رعایت پاره‌ای ملاحظات ریاضی می‌توان از تراکمی‌سازی خطی به‌نحو احسن استفاده کرد.

۲-۷- تحلیل حساسیت

1. data envelopment analysis
2. unobserved components models
3. budget allocation process
4. analytic hierarchy process
5. conjoint analysis
6. artificial neural network

به دلیل آنکه در فرآیند توسعه شاخص ترکیبی باید قضاوت‌های متعددی انجام گیرد (برای نمونه انتخاب متغیرها، انتخاب روش وزن دهی، انتخاب روش مواجهه با داده‌های ناقص، انتخاب روش تراکمی‌سازی و سایر موارد)، لذا امکان به مناقشه کشیده شدن کل فرآیند توسعه از طرف منتقدان وجود دارد. لذا برای تحلیل قوت شاخص، بهتر است تحلیل‌هایی به این منظور صورت پذیرد. برای نمونه، با اضافه یا حذف کردن سنج‌های خاص، تغییر روش‌های وزن دهی و مواجهه با داده‌های ناقص و غیره (و مشاهده تأثیری که در نتیجه نهایی شاخص ترکیبی به وجود می‌آید، می‌توان چنین تحلیل‌هایی را صورت داد.

۲-۸- بازگشت به داده‌ها

هرچند که شاخص ترکیبی می‌تواند به عنوان نقطه شروع تحلیل مورد استفاده قرار گیرد، اما این بدان معنی نیست که نمی‌توان با تجزیه کردن و شکستن شاخص ترکیبی به زیرگروه‌ها، تحلیل‌هایی را در این سطح نیز صورت داد. به عبارت دیگر، انجام چنین کاری می‌تواند بسیار مفید و روشنگر باشد. لذا تجزیه شاخص ترکیبی می‌تواند در تحلیل عملکرد نهایی یک کشور بر مبنای شاخص ترکیبی نهایی بسیار مفید واقع شود. امروزه می‌توان از ابزارها و تکنیک‌های متعددی برای تجزیه شاخص ترکیبی و انجام تحلیل‌ها بر مبنای رابطه میان زیرگروه‌ها و ابعاد با شاخص ترکیبی بهره گرفت که مهم‌ترین این ابزارها عبارتند از: تحلیل مسیر، شبکه‌های بیزین و مدل‌سازی معادلات ساختاری. همچنین، رسم گرافیکی نمودارهایی از قبیل نمودارهای میله‌ای بر مبنای تجزیه شاخص ترکیبی و نمودارهای تار عنکبوتی و سایر موارد می‌تواند در انجام چنین تحلیل‌هایی بسیار مفید واقع شود.

۲-۹- ارتباط با سایر شاخص‌ها

شاخص‌های ترکیبی اغلب برای اندازه‌گیری مفاهیمی چندبعدی که ارتباط نزدیکی با پدیده‌های شناخته شده و قابل اندازه‌گیری دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی برقراری چنین ارتباطاتی می‌تواند قدرت تبیین‌کنندگی شاخص ترکیبی را ارزیابی کند.

برای نمونه، در مورد شاخص ترکیبی میزان دستیابی به فناوری می‌توان این‌گونه مطرح کرد که طبیعتاً هر کشوری که میزان دستیابی بیشتری به فناوری داشته باشد، آنگاه میزان ثروت آن کشور هم بیشتر باشد. لذا برای ارزیابی چنین شاخصی می‌توان ارتباط این شاخص را با شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی بررسی کرد. طبیعتاً در صورتی که این دو شاخص دارای ارتباط مستقیم و معناداری باشند، حاکی از قوت شاخص ترکیبی طراحی شده خواهند بود. تنها نکته‌ای که می‌ماند آن است که نباید از تحلیل وجود همبستگی رابطه علیتی استخراج شود. برای بررسی در سطح علیت، می‌توان از تکنیک‌های اقتصادسنجی همچون آزمون‌های علیت‌نگر استفاده کرد که البته خود مستلزم وجود داده‌های سری‌زمانی برای متغیرها است.

۲-۱۰- نمایه‌سازی نتایج

در نهایت باید تصمیم‌گیری شود که نتایج نهایی به صورت جدولی یا در قالب گرافیکی نمایش داده شود. قالب جدولی ساده‌ترین شکل ارائه است و کشورها بر مبنای نمره شاخص ترکیبی، و به ترتیب نزولی، مرتب می‌شوند.

۲-۱۱- اعتبارسنجی شاخص‌های ترکیبی

هرچند این مرحله به‌عنوان مراحل اصلی روش‌شناسی تولید شاخص‌های ترکیبی شناخته نشده است، اما پس از تولید شاخص برای اینکه بتوان داده‌هایی قابل اتکا و مورد پذیرش کارشناسان تولید کرد، باید اعتبارسنجی نیز مورد توجه قرار گیرد. توسعه چارچوب کیفی برای شاخص‌های ترکیبی کار ساده‌ای نیست. در واقع، کیفیت کلی شاخص ترکیبی مسئله‌ای چندجنبه‌ای است و علاوه بر اینکه به کیفیت داده‌های اولیه مورد استفاده جهت توسعه شاخص برمی‌گردد، به درست و دقیق بودن رویه‌های به‌کارگرفته شده در توسعه شاخص نیز مربوط است. کیفیت معمولاً به‌معنای قابلیت استفاده بر مبنای نیازهای استفاده‌کنندگان تعریف شده است. اما با وجود تمام نگرانی‌هایی که در مورد آمارها وجود دارد سایر ابعاد نیز بسیار مهم هستند. به‌عبارت دیگر کیفیت مفهومی چندبعدی است. مهم‌ترین مشخصه‌های کیفیت بر مبنای دیدگاه‌های استفاده‌کنندگان، نیازها و اولویت‌ها و از گروهی به گروه دیگر متفاوت است. سازمان‌های بین‌المللی بسیاری در مورد جنبه‌های کیفیت فرآورده‌های آماری کار کرده‌اند که برای نمونه می‌توان به اداره آمار اروپا، صندوق بین‌المللی پول، اداره آمار کانادا و سوئد در این زمینه اشاره کرد. صندوق بین‌المللی پول، چارچوب کیفی داده‌ها را به‌منظور فراهم کردن یک چارچوب جامع ارائه کرده است. در این چارچوب، برای کیفیت فرآورده‌های آماری، پنج بُعد در نظر گرفته شده است:

- ۱- اطمینان از یکپارچگی؛
- ۲- روش‌شناسی صحیح؛
- ۳- قابلیت اطمینان و دقت؛
- ۴- قابلیت استفاده؛
- ۵- قابلیت دسترسی.

اداره آمار اروپا هم شش بُعد کیفی زیر را برای اعتبارسنجی در نظر گرفته است:

- ۱- مربوط و متناسب بودن (با نیازهای استفاده‌کنندگان)؛
- ۲- دقت (در محاسبات)؛
- ۳- تناسب زمانی؛
- ۴- قابلیت دسترسی و وضوح نتایج؛
- ۵- مقایسه‌پذیری؛
- ۶- انسجام.

با این روش بسیاری از شاخص‌های ترکیبی در نهادهای بین‌المللی ساخته شده است. البته مزیت ما در تولید شاخص ترکیبی توسعه برای ایران این است که بسیاری از زیرشاخص‌های موجود که ذیل شاخص‌های توسعه در دنیا معرفی و محاسبه شده‌اند قابل استفاده بوده و تنها بخشی از این مفاهیم توسعه‌ای هستند که شاخص‌های آنها یا باید تغییر کند و یا باید برای آنها سنج و نماگر جدید تولید شود.

۳- روش فازبندی طرح گزارش توسعه ملی

همان‌طور که در بخش قبل مطرح شد، بهترین روش شناخته‌شده برای تدوین گزارش شاخص توسعه ملی همان روش اصلی OECD است، که در آن باید از مفهوم توسعه آغاز کرد. تیم شاخص‌سازی نیز با همین هدف آغاز به فعالیت کرد و به‌عنوان اولین گام سعی کرد مفهوم توسعه را تعریف کند. با برگزاری پنج جلسه طوفان فکری با اساتید و صاحب‌نظران و همچنین مطالعه و پژوهش در رابطه با تعریف توسعه، جمع‌بندی همه اساتید این بود که آغاز کردن از تعریف توسعه ممکن نیست، زیرا اگر بپذیریم که توسعه پنج بُعد دارد، تعریف توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فردی هر کدام نیازمند مطالعه تیم تخصصی و همچنین برگزاری جلسات کارشناسی است و دستیابی به تعریف تجمیع‌شده نیز خود فرآیندی بین‌رشته‌ای است که زمان‌بر خواهد بود. اگر هم پنج بُعد را بپذیریم، دستیابی به ابعاد توسعه و تقسیم‌بندی شکسته‌شده از مفهوم بسیط توسعه، خود نیازمند بحث و گفت‌وگو و مطالعه فراوانی است.

در ضمن مطالعه و مرور دقیق شاخص‌ها و زیرشاخص‌های موجود در جهان که به‌عنوان همه یا بخشی از مفهوم توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌تواند راهگشای خوبی برای دستیابی به تعریف توسعه باشد. بنابراین طراحی دو درخت در دستور کار تیم شاخص‌سازی قرار گرفت. نخست، درخت تجربی توسعه که ساختاری دسته‌بندی‌شده از تمامی شاخص‌ها و ناگرهای توسعه است که امروز در دنیا مورد استفاده و محاسبه قرار می‌گیرد. با ترسیم این درخت انباشت دانش شاخص‌های توسعه جهان جمع‌آوری می‌شود و کمک بسیار مهمی نیز به تعریف ابعاد و جزئیات مفهوم توسعه می‌کند. دوم، ترسیم درخت مفهومی توسعه است که از دل مطالعات علوم مختلف، مفاهیمی که ذیل توسعه شناخته می‌شود به‌صورت ساختاریافته و دسته‌بندی‌شده، نمایشگری از مفهوم توسعه باشند. در واقع ابعاد مفهومی توسعه در این درخت نیز ترسیم می‌شود که بتوان در جهت تعریف توسعه گام‌های مؤثری برداشت.

حال با توجه به محدودیت‌های فوق و همچنین فرآیند بلندمدت تولید شاخص ترکیبی برای توسعه و همچنین زمان‌بر بودن تعریف توسعه و ابعاد مختلف آن، لازم به نظر رسید که آنچه انجام آن درست است را به چند فاز قابل اجرا در کوتاه‌مدت بشکنیم تا علاوه بر استفاده از خروجی‌های هر مرحله در راستای انتشار و گزارش‌دهی، در جهت هدف اصلی نیز حرکت کنیم. بنابراین فازبندی طرح گزارش ملی توسعه به‌صورت زیر انجام گرفت:

فاز اول: گزارش مرور تلفیقی شاخص‌های اصلی توسعه

در این فاز به مرور و شناسایی همه شاخص‌های توسعه در جهان پرداخته می‌شود و از بین آنها بهترین شاخص‌ها با معیارهایی که در ادامه بیان خواهد شد، انتخاب می‌شوند و وضعیت روند ایران، مقایسه با کشورهای منتخب و سایر تحلیل‌ها صورت می‌گیرد. در مجموع نشان داده می‌شود که بر اساس همه شاخص‌های مورد بررسی روند توسعه ایران در طول سال‌های گذشته به چه سمت بوده است و نقاط قوت و ضعف توسعه ایران نیز از بین شاخص‌ها مشخص می‌شود.

فاز دوم: گزارش مرور تلفیقی ناگرهای توسعه و تنظیم شاخص تجمیعی جدید

در فاز دوم همه شاخص‌هایی که در گام قبل شناسایی شده است در سطح نماگرها (یعنی جزئی‌ترین سنجه‌ای که مفهومی از توسعه را محاسبه می‌کند) مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در این بررسی شاخص‌ها ملاک و معیار نیستند و در یک دسته‌بندی پیشنهادی کاملاً جدید نماگرها طبقه‌بندی شده و شاخص ترکیبی جدیدی از روی آنها ایجاد می‌شود. البته این روش کاملاً استقرایی است و از مطالعه نماگرهای موجود صورت خواهد گرفت. بنابر این ممکن است همچنان کسری‌هایی از مفهوم توسعه داشته باشد که باید در طول سال‌های بعد و البته فاز بعدی اصلاح شود. زمانی که نماگرها مورد مطالعه قرار می‌گیرند احتمالاً تضادها و همپوشانی‌هایی خواهند داشت که باید بین آنها انتخاب شود و با غربالگری مجموعه‌ای از نماگرها انتخاب شوند که معیارهای بیان‌شده در بخش بعدی را به صورت حداکثری دارا باشند.

فاز سوم: اجرایی کردن روش تولید شاخص ترکیبی OECD برای توسعه ایران

اما در فاز سوم با استفاده از مطالعه دقیق انجام گرفته در فازهای قبلی و همچنین با انباشت دانش توسعه، همچنین با برگزاری جلسات متعدد در طول دو فاز قبل، سعی خواهد شد تعریف توسعه تدوین و تدقیق شود. بر اساس مفهوم شناخته‌شده از توسعه ایران که نسبت آن با ارزش‌ها و فرهنگ ما کاملاً روشن شده است، به طی مراحل OECD پرداخته خواهد شد و شاخص ترکیبی جدید تولید می‌شود. البته احتمالاً بسیاری از نماگرهای جهانی و حتی داده‌های آنها مورد استفاده قرار خواهند گرفت، اما ممکن است برخی از آنها در مفهوم توسعه ایران حذف شده و مفاهیم جدید اضافه شوند و یا دسته‌بندی نیز تغییر کند. فاز سوم دقیقاً رویکرد شاخص ترکیبی جدید را خواهد داشت و از مرور تلفیقی قبلی به‌عنوان پیشینه پژوهش خود استفاده خواهد کرد.

در مجموع بر اساس آنچه در مورد فازهای طرح گزارش ملی توسعه بیان شد، بدیهی است که فاز سوم که مبتنی بر روش‌شناسی دقیق است و از مفهوم و تعریف دقیق توسعه نیز شروع می‌شود، بهترین و کامل‌ترین مرحله خواهد بود، اما شروع با این فاز شدنی نیست و باید در ابتدا فازهای اول و دوم به‌عنوان پیشینه پژوهش انجام شوند. حال انتشار خروجی از این دو فاز نیز متعارض با ترویج فرهنگ توسعه و آگاهی‌بخشی عمومی نیست و می‌توان با انتشار خروجی‌های آن به سمت دستیابی به اهداف و دستاوردهای گزارش ملی توسعه (که در بخش اول بیان شد) حرکت کرد. بنابراین آنچه در عمل صورت خواهد گرفت این است که فازها به ترتیب اجرایی شوند و محصولات و خروجی‌های آن نیز انتشار یابد. یعنی کل بدنه دانشگاهی و جامعه در جریان بلوغ یافتن گزارش توسعه ملی قرار بگیرند و با نقد و بررسی دقیق و کارشناسانه خود در طول این مسیر به تکامل فرآیند بلوغ کمک کنند.

۴- روش انتخاب تعریف توسعه

بر اساس آنچه در مورد فازبندی مطرح شد، انتخاب تعریف بهینه توسعه کاری زمان‌بر و بلندمدت است. لذا تعریف توسعه با ساختار علمی کامل به فاز اول و حتی شاید فاز دوم نمی‌رسد و باید برای دستیابی به تعریف توسعه برای فاز سوم برنامه‌ریزی کرد که قطعاً اطلاعات به‌دست آمده در دو فاز قبلی به این فرآیند کمک می‌کند. اما موضوع مهم این است که ما برای دسته‌بندی ساده شاخص‌ها و زیرشاخص‌های توسعه نیازمند یک تعریف اولیه هستیم تا بتوان درخت تجربی را استخراج کرد. لذا روش اولیه و ابتدایی برای رفع مانع در اجرایی‌شدن کار این است که با مطالعه تعاریف موجود فصل مشترکی از پذیرفته‌شده‌ترین تعریف مفهوم کلی توسعه و همچنین ابعاد مختلف و کلی توسعه را استخراج کنیم و در ترسیم درخت توسعه استفاده کنیم، تا یک گام به جلو حرکت کرده و بعد

با استخراج این درخت بتوان تعریف توسعه دقیق‌تر را برای فاز دوم تنظیم کرد و در نهایت با اقدام تیم نخبگانی و به پشتوانه اطلاعات و مطالعات صورت‌گرفته در رابطه با تعاریف توسعه و همچنین به اتکای درخت توسعه استخراج‌شده، تعریف پوش از توسعه برای ایران استخراج شود و در دستور کار فاز سوم قرار گیرد. نکته حائز اهمیت این است که اگر منتظر انجام کار ایده‌آل که همه می‌دانیم چیست، بمانیم، هیچ‌گاه نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. باید گام برداشت، آموخت، اصلاح کرد و به دستاورد رسید.

اما به موازات آنچه در بالا مطرح شد، مطالعات برای دستیابی به تعریف توسعه نیز در فرآیند قرار گرفت تا فعالیت‌ها همزمان اجرایی شود. مرور و تجمیع تعاریف مختلفی که در مورد توسعه وجود دارد، ذهن را آماده می‌کند تا در ادامه با مطالعه تعریف توسعه مضاف (توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فردی) بتوان مبنای نظری را تدقیق کرد. مروری بر روی آنچه در جلسات ابتدایی تعریف توسعه گذشته است، و مبنای نظری آماده‌شده می‌تواند روش‌شناسی دستیابی به تعریف توسعه را به ذهن تقریب کند.

۵- روش انتخاب شاخص‌ها

در فرآیند مطالعه شاخص‌های توسعه در جهان برای اجرایی شدن فاز اول، با انبوهی از شاخص‌ها مواجه بودیم که باید از بین آنها انتخاب می‌شد. زیرا برخی همپوشان و برخی متناقض بودند و برخی نیز تنها برای یک کشور خاص محاسبه شده بودند.

روش انتخاب شاخص‌های گزارش ملی توسعه به این شکل بوده است که پس از انتخاب شاخص‌های اصلی و معروف در حوزه‌های مختلف توسعه، تیم عملیاتی گزارش به این نتیجه رسید که باید در حوزه شناسایی شاخص‌های توسعه در دنیا مطالعه جامعی انجام دهد تا شاخص مهمی از قلم نیفتد و بتوانیم تا حد ممکن جامعیت و مانعیت نمایشگری ایجادشده توسط شاخص‌ها را ایجاد کنیم. برای این منظور تعدادی از اعضای تیم تدوین گزارش شاخص توسعه ملی به جست‌وجو و بررسی شاخص‌های جهانی توسعه پرداختند: دکتر نجفی برای شاخص‌های سیاسی، دکتر شعبانی برای شاخص‌های اجتماعی، دکتر درخشان و دکتر تیموری برای شاخص‌های اقتصادی. پس از بررسی‌های اولیه، تعدادی شاخص شناسایی شد که البته برخی از آنها نزدیک به هم بودند و برخی نیز تنها برای یک کشور محاسبه شده بودند و امکان مقایسه را ایجاد نمی‌کردند. در جلساتی که با تیم علمی (دکتر رنائی، دکتر حاتمی، دکتر میرزایی، دکتر ساسان و دکتر همتی) برگزار شد طبق نظر این اساتید شاخص‌های جدیدی به مجموعه شاخص‌های قبلی اضافه کردیم.

در نهایت ۶۰ شاخص شناسایی شد که در فضای آکادمیک به‌عنوان شاخص‌هایی که بخشی از توسعه را نمایش می‌دهند، شناسایی شده بودند. اما همه این شاخص‌ها قابل استفاده نبودند. زیرا برخی از آنها بسیار نزدیک به هم بودند و استفاده از آنها باعث می‌شد تا زیرشاخص‌های مربوط به آنها به‌نوعی دو بار در محاسبات ما دخیل شوند. به‌ویژه اینکه ما قصد داشتیم این شاخص‌ها را با هم تجمیع کنیم و این باعث ایجاد انحراف و تورش در تجمیع صورت گرفته می‌شد. همچنین هدف گزارش در فاز اول (که در قسمت اهداف و مأموریت فاز اول بیان شده است) تبیین جایگاه توسعه ایران و نمایش وضعیت واقعی ایران در همه ابعاد است و برای این منظور حتماً لازم است وضعیت توسعه ایران با سایر کشورها مقایسه شود و بنابراین استفاده از شاخص‌های

ملی و بومی (مانند سهولت کسب و کار) نمی‌توانست این هدف را تأمین کند. همچنین برخی شاخص‌ها مانند شاخص تولید ناخالص شادی تنها برای کشور بوتان محاسبه شده بود، هرچند شاخص بسیار خوبی برای بازنمایی مفهوم شادی بود، اما برای ایران نیز داده‌ای نداشت. در مجموع به این جمع‌بندی دست یافتیم که حتماً باید از بین شاخص‌های موجود بهترین‌ها را انتخاب کنیم. اما برای انتخاب شاخص‌های مناسب و برتر نیازمند معیار بودیم. با توجه به مطالب بیان شده و اهداف فاز اول چند معیار طراحی شد که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

۱. نمایشگری مفهوم توسعه

از بین شاخص‌های مورد بررسی شاخص‌هایی باید انتخاب شوند که بیشترین نمایشگری را از مفهوم توسعه داشته باشند. یعنی زیرشاخص‌هایی که ذیل شاخص مربوطه تعریف می‌شود قرابت مفهومی با معنای مدنظر ما از توسعه داشته باشد. همچنین بررسی آن شاخص باید بتواند بعد جدیدی از توسعه را نمایش دهد. یعنی زیرشاخص‌های آن مفاهیم جدیدی از توسعه را دربر داشته باشند تا بررسی و مطالعه و در نظر گرفتن آن بتواند به تکمیل مفهومی توسعه در گزارش کمک کند. همچنین آنچه باید مدنظر قرار گیرد این است که شاخص‌ها در این مرحله به لحاظ مفهومی و میزان نمایشگری نیز بزرگ باشند. زیرا نماگرهای بسیاری وجود دارد که هر یک جزء بسیار کوچکی از توسعه را نشان می‌دهند، ولی در این فاز قصد این بوده است که شاخص‌های اصلی و بزرگ توسعه مورد مطالعه قرار گیرد و در فازهای بعدی بر روی نماگرها تمرکز ویژه صورت بگیرد. از این رو معیار نمایشگری در وهله اول به قرابت مفهومی شاخص مورد نظر با توسعه اشاره دارد و در وهله بعد به اینکه بتواند بخش قابل توجهی از مفهوم توسعه را نمایش بدهد.

۲. دست اول بودن داده‌ها و اطلاعات شاخص

برخی از شاخص‌ها اطلاعات خود را از دل سایر سازمان‌ها و یا سایر شاخص‌ها استخراج می‌کنند و با ترکیب جدیدی که ایجاد می‌کنند شاخص جدیدی ارائه می‌دهند. معیار دست اول بودن داده‌ها این نکته را گوشزد می‌کند که بیشتر به شاخص‌هایی توجه شود که خود داده تولید می‌کنند و یا اولین بار با استفاده از داده‌های تولیدشده سایر نهادها، شاخصی را برای توسعه ایجاد کرده‌اند. به عنوان مثال شاخص کیفیت نهادی با اینکه شاخص بسیار خوبی است، اما تنها با ترکیب هشت شاخص دیگر و با وزن برابر شاخصی جدید ارائه می‌دهد که قاعدتاً مطلوب نیست و بهتر است از خود شاخص‌های دست اول استفاده شود. هرچند در تحلیل‌ها می‌توان از این نوع شاخص‌ها نیز استفاده کرد، اما برای نمایش مفهوم توسعه توسط شاخص‌ها (هدف این فاز از گزارش) مطلوب نیستند.

۳. کمترین همپوشانی با شاخص‌های گزینش شده قبلی

محاسبه برخی ابعاد توسعه به ویژه ابعادی که کمی‌سازی آنها آسان است مورد توجه بسیاری از شاخص‌ها قرار گرفته است. این نکته در انتخاب شاخص‌ها مدنظر ما قرار گرفته که شاخص‌هایی انتخاب شوند که کمترین همپوشانی مفهومی را با شاخص‌های گزینش شده پیشین داشته باشند. اگر شاخص‌هایی انتخاب شوند که همپوشانی بالایی دارند (حتی در صورت وجود برخی نماگرهای متمایز) در هنگام جمع و گزارش دهی و نتیجه‌گیری، برخی از زیرشاخص‌ها چند بار محاسبه می‌شوند و شاخص توسعه را منحرف نشان می‌دهند. البته صفر کردن همپوشانی در ساختار فعلی گزارش امکان‌پذیر نیست، اما به حداقل رساندن آن

می‌تواند جزو اهداف و اولویت‌های طرح باشد. در فاز بعدی که بر روی خود نماگرهای توسعه تمرکز می‌شود می‌توان این همپوشانی را به‌طور دقیق به صفر برسانیم.

۴. بین‌المللی‌بودن محاسبه شاخص و داشتن داده برای همه کشورها

همان‌طور که اشاره شد هدف اولیه گزارش فاز اول این است که بتواند جایگاه ایران در توسعه را نمایش دهد و روند ایران را ارزیابی کند. برای این منظور داشتن یک عدد مطلق از توسعه ایران نمی‌تواند به ما نشان دهد که آیا این عدد وضعیت مناسبی از توسعه را بازنمایی می‌کند و یا در وضعیت هشدار توسعه است. مقایسه با سایر کشورها حداقل در فاز اول که فهم عمیق و دقیق و کمی توسعه‌نیافتگی ایران و ابعاد توسعه‌نیافته ایران را هدف قرار داده، حائز اهمیت است که در بخش اهداف و مأموریت‌های طرح توضیح داده شد. برای این منظور شاخص‌هایی که داده‌های آن تنها برای یک کشور مانند بوتان و یا ایران محاسبه شده‌اند و امکان مقایسه بین‌المللی را ایجاد نمی‌کردند حذف شده و به جای آنها شاخص‌های معادل یا نزدیک انتخاب شدند تا بتوانند امکان مقایسه بین‌المللی را هم فراهم آورند (مثلاً به جای تولید ناخالص شادی، ما شاخص جهانی شادی، و به جای شاخص سهولت کسب‌وکار ملی ایران، شاخص سهولت کسب‌وکار جهانی را انتخاب کردیم).

در نهایت با استفاده از این چهار معیار لازم است که شاخص‌های شناسایی‌شده تحلیل و انتخاب شوند. برای بررسی موارد بالا لازم بود برای هر شاخص اطلاعاتی کسب شود، برای همین اطلاعات اولیه در رابطه هدف هر شاخص، اجزا و زیرشاخص‌های آن، روش محاسبه، نهاد محاسبه‌کننده، تعداد کشورهای تحت محاسبه و سایر اطلاعات مورد نیاز استخراج شد (که در ادامه این توضیحات بیان می‌شود) و با بررسی میزان و اهمیت هر معیار، شاخص‌ها را انتخاب کردیم. این کار در یک تیم ترکیبی (متشکل از خانم شعبانی و آقایان درخشان، مجیدزاده، تیموری و کلاته) انجام گرفت و نتایج و روش کار به اطلاع دکتر رنانی رسید و نظرات ایشان هم اعمال شد. پس از آن شاخص‌های انتخاب‌شده (در مرحله اول ۹ و در مرحله دوم ۱۳ کلان‌شاخص و توضیحات آن) در تیم علمی پروژه به اطلاع اساتید (دکتر فراستخواه، دکتر حاتمی، دکتر میرزایی، دکتر همتی و دکتر رنانی) رسید تا ایشان نظرات تکمیلی خود را برای ما ارسال کنند و اگر شاخصی را بسیار بااهمیت می‌دانند، به مجموعه شاخص‌های منتخب اضافه کنند. در نهایت همه پروژه بر اساس این شاخص‌های منتخب تنظیم شد و ۱۴ فصل شاخص‌های توسعه و یک فصل هم جمع‌بندی آنها در بخش توسعه در یک نگاه تدوین شد.

فهرست شاخص‌های مورد بررسی در جدول زیر بیان شده‌اند:

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
۱	شاخص توسعه فراگیر (inclusive development index)	شاخص توسعه فراگیر یک ارزیابی سالانه است که میزان پیشرفت اقتصادی ۱۰۳ کشور جهان را از حیث ۱۲ بعد که تولید ناخالص داخلی سرانه هم یکی از ابعاد آن است، اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص شامل سه رکن اصلی «رشد و توسعه؛ فراگیری؛ و برابری بین‌نسلی و مراقبت و نظارت پایدار از منابع طبیعی و مالی» است. چهار متغیری که رکن رشد و توسعه را تشکیل می‌دهند عبارتند از: تولید ناخالص داخلی سرانه؛ بهره‌وری نیروی کار؛ اشتغال؛ و امید به زندگی سالم. در رابطه با رکن فراگیری که متغیرهایی مانند

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		میانگین درآمد خانوار؛ فقر؛ نابرابری ثروت؛ و درآمد در اندازه‌گیری آن سهمیم هستند. رکن برابری بین نسلی و پایداری با استفاده از متغیرهایی مانند میزان بدهی عمومی؛ شدت انتشار کربن؛ نسبت وابستگی؛ و خالص پس‌انداز تعدیل شده (که صرفه‌جویی در یک اقتصاد را پس از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، صرفه‌جویی در منابع طبیعی و هزینه آلودگی اندازه‌گیری می‌کند) محاسبه می‌شود.
۲	شاخص کیفیت نهادی (institutional quality index)	شاخص IQI مبتنی بر هشت نماگر است که به این دلیل انتخاب شده‌اند که جنبه‌های خاص کیفیت نهادی را نشان می‌دهند. شاخص IQI دارای دو زیرشاخص است: یکی برای نهادهای سیاسی و دیگری برای نهادهای بازاری. وزن هر کدام از این زیرشاخص‌ها ۵۰ درصد است که این نشان‌دهنده مهم بودن هر دو عرصه است. نماگرهای دربرگیرنده زیرشاخص نهادهای بازاری عبارتند از: شاخص قابلیت رقابت جهانی متعلق به مجمع جهانی اقتصاد؛ شاخص آزادی اقتصادی متعلق بنیان هریتج؛ شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر؛ شاخص سهولت کسب‌وکار بانک جهانی. همه نماگرها وزن برابر دارند. هرچند که این امر اختیاری است. کیفیت شاخص‌های نهادهای سیاسی تاکنون شامل موارد زیر بوده است: شاخص حاکمیت قانون بانک جهانی؛ شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی بانک جهانی؛ رتبه‌بندی آزادی مطبوعات متعلق به خانه آزادی؛ و شاخص ادراک فساد متعلق به سازمان شفافیت بین‌الملل.
۳	شاخص دولت شکننده (fragile state index)	شکستگی دولت بر مبنای ۱۲ زیرشاخص فشارهای جمعیت‌شناختی، پناهندگان و آوارگان، توسعه اقتصادی نامساعد، اعتراضات گروهی، فرار مغزها، فقر و زوال اقتصادی، مشروعیت دولت، خدمات عمومی، حقوق بشر و نقش قانون، دستگاه امنیت، تنازعات دوقطبی و مداخلات خارجی مورد سنجش قرار می‌گیرد. این ۱۲ زیرشاخص، خود در پنج گروه انسجام ملی، اقتصاد، سیاست، اجتماعی و مداخله خارجی، جای می‌گیرند که مجموع آنها شاخص کل را می‌سازند. هرچه مقدار این شاخص‌ها و در نتیجه، شاخص کل که حاصل جمع این شاخص‌هاست، بیشتر باشد، شکنندگی آن دولت بیشتر است. در نهایت، دولت‌های مختلف ذیل چهار دسته کلی پایدار (sustainable)، باثبات (stable)، در مرحله هشدار (warning) و در معرض خطر (alert) طبقه‌بندی می‌شوند.
۴	شاخص رقابت‌پذیری جهانی (global competitiveness report)	رقابت‌پذیری متغیری است که برای محاسبه آن باید از روش‌های غیرمستقیم و ضمنی بهره جست؛ بر این اساس شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI) از ۱۲ رکن اصلی تشکیل شده است که با احتساب معیارهای فرعی، در مجموع می‌توان گفت ۱۱۴ معیار در محاسبه شاخص رقابت‌پذیری جهانی تعیین‌کننده هستند. حدود دوسوم از این متغیرها بر اساس نظرسنجی از مدیران اجرایی بنگاه‌های اقتصادی و یک‌سوم باقیمانده بر اساس داده‌های آماری کشورها اندازه‌گیری می‌شوند. طبق آخرین گزارش‌های موجود ابعاد رقابت ذیل چهار دسته قابل تقسیم‌بندی است و هر دسته خود شامل زیر مجموعه‌هایی می‌شود. در گروه و دسته «محیط توانمندساز»، نهادها، زیرساخت، انطباق پذیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و ثبات اقتصاد کلان قرار دارد. بازار محصول، بازار نیروی کار، نظام مالی، اندازه بازار نیز در دسته «بازارها» جای دارد. گروه «سرمایه انسانی» شامل سلامت و مهارت‌ها می‌شود و پویایی کسب‌وکار، ظرفیت نوآوری در زیرمجموعه «اکوسیستم نوآوری» قرار می‌گیرد.
۵	شاخص جهانی رقابت‌پذیری پایدار (global sustainable competitiveness index)	این شاخص عملکرد یک کشور را بر مبنای مدل رقابت‌پذیری یکپارچه اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص از طریق ۱۱۶ نماگر کمی در تمام جنبه‌هایی که بنیان‌های موفقیت را شکل می‌دهند محاسبه می‌شود. رقابت‌پذیری پایدار توانایی ایجاد و دوام ثروت فراگیر بدون کاهش توانایی آینده در حفظ یا افزایش سطح ثروت فعلی است. GSCI تمام سه بعد توسعه پایدار را یکپارچه می‌کند: محیط، جامعه و اقتصاد.

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>مدل رقابت‌پذیری پایدار مبتنی بر پنج رکن به یک اندازه مهم است: سرمایه طبیعی، سرمایه اجتماعی، مدیریت منابع، سرمایه فکری، کارایی حکمرانی.</p> <p>سرمایه طبیعی: محیط طبیعی موجود، از جمله در دسترس بودن منابع، و سطح تهی شدن آن منابع.</p> <p>سرمایه اجتماعی: سلامت، امنیت، آزادی، برابر و رضایت از زندگی درون یک کشور.</p> <p>مدیریت منابع: کارایی استفاده از منابع موجود به‌عنوان معیاری برای رقابت‌پذیری عملیاتی در یک جهان با منابع محدود.</p> <p>سرمایه فکری: توانایی تولید ثروت و شغل از طریق نوآوری و صنایع ارزش افزوده در بازارهای جهانی.</p> <p>کارایی حکمرانی: پیامدهای قلمروها و سرمایه‌گذاری‌های حکومت مرکزی - زیرساخت، ساختار بازار و اشتغال، تدارک چارچوبی برای خلق ثروت بادوام و پایدار.</p>		
<p>این شاخص را مؤسسه کارآفرینی و توسعه جهانی (GEDI) تولید می‌کند. این مؤسسه به‌صورت سالانه شاخص کارآفرینی جهانی (GEI) را منتشر می‌کند. ساختار شاخص کارآفرینی و توسعه (GEDI) کاملاً شبیه به شاخص GEI است. اما این شاخص هرچند سال یک بار منتشر شده است. به‌هرحال آشنایی با GEI نشاندهنده همان ساختار GEDI است.</p> <p>شاخص جهانی کارآفرینی (GEI) که همه ساله از سوی مؤسسه جهانی توسعه کارآفرینی (GEDI) منتشر می‌شود و تصویری از تغییرات اکوسیستم کارآفرینی کشورها ارائه می‌دهد، نگرانی است که سلامت اکوسیستم کارآفرینی در یک کشور را از طریق تعاملات پویا و نهادینه‌شده بین گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینی، هم در سطح فردی و هم در سطح نهادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. فرض بنیادی در تهیه این شاخص این است که کارآفرینی هرچند ماهیت رفتاری و فردی دارد اما تقریباً در صورتی امکان بروز می‌یابد که محیط به فرد اجازه بروز آن را بدهد. به‌عنوان مثال اگر نیروی انسانی تحصیل‌کرده و دارای مهارت لازم برای به‌کارگیری در کسب‌وکار مبتنی بر فرصت در جامعه به وفور وجود داشته باشد اما شرایط محیطی و نهادی جامعه به‌شکلی باشد که افراد نتوانند ریسک شروع کسب‌وکار را بپذیرند، کارآفرینی توسعه نخواهد یافت. به‌عبارتی پویایی کارآفرینی در هر کشور علاوه بر خصلت‌ها و ویژگی‌های افراد جامعه، درگرو محیط نهادی نیز است.</p> <p>شاخص GEI دارای سه زیرشاخص نگرش کارآفرینانه (ATT)، توانایی کارآفرینانه (ABT)، و اشتیاق کارآفرینانه (ASP) است. هر یک از این زیرشاخص‌ها خود ارکانی دارند و هر یک از این ارکان متغیرهایی دارند که به دو دسته متغیرهای فردی و متغیرهای نهادی تقسیم می‌شوند.</p> <p>ATT شامل این ارکان است: درک فرصت، پذیرش ریسک، شبکه‌سازی، مهارت راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا و پشتیبانی فرهنگی.</p> <p>ABT شامل این ارکان است: رقابت، سرمایه انسانی، جذب فناوری و کسب‌وکار مبتنی بر فرصت.</p> <p>ASP شامل این ارکان است: نوآوری محصول، نوآوری فرآیند، رشد بالا در کسب‌وکار، بین‌المللی‌سازی و سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر.</p>	<p>شاخص جهانی کارآفرینی و توسعه (global entrepreneurship and development index)</p>	<p>۶</p>
<p>برای نخستین بار، در سال ۲۰۰۵ میلادی، واحد اطلاعات اکونومیست (EIU)، شاخص اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به‌منظور رتبه‌بندی کشورهای جهان ارائه کرد. این معیار رتبه‌بندی کشورها را شاخص کیفیت زندگی (QLI)، نام‌گذاری کرده‌اند.</p> <p>مقیاس (پرسشنامه) فرم کوتاه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL-BREF) است، شکل مختصر پرسشنامه کیفیت زندگی به‌صورت ۱۰۰ سئوالی با نام -WHOQOL\00 که کیفیت زندگی را در چهار حیطه مرتبط با سلامت مورد بررسی قرار می‌دهد:</p> <p>الف- حیطه سلامت جسمانی (Physical Health Domain)</p>	<p>شاخص کیفیت زندگی اکونومیست (Economist quality of life index)</p>	<p>۷</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>ب- حیطه روان‌شناختی (Psychological Domain)</p> <p>ج- حیطه روابط اجتماعی (Social relationship Domain)</p> <p>د- حیطه محیط زندگی (Environmental Domain)</p> <p>معیارهای نُه‌گانه کیفیت زندگی و شاخص‌های به‌کارگرفته‌شده در نمایش چنین معیارهایی عبارتند از:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. تعالی مادی: سرانه تولید ناخالص ملی ۲. سلامتی: امید به زندگی در بدو تولد ۳. ثبات سیاسی و امنیت: نرخ ثبات سیاسی و امنیت ۴. زندگی خانوادگی: نرخ طلاق در هر هزار نفر ۵. زندگی اجتماعی: نرخ حضور در اماکن مذهبی یا عضویت در سندیکاها ۶. اقلیم و جغرافیا: عرض جغرافیایی، شرایط اقلیمی بین گرم‌تر و سردتر را مشخص می‌سازد. ۷. امنیت شغلی: نرخ بیکاری ۸. آزادی سیاسی: متوسط شاخص‌های آزادی‌های مدنی و سیاسی ۹. برابری جنسیتی: نسبت متوسط درآمد مرد و زن، بر اساس آخرین داده‌های در دسترس <p>کیفیت زندگی شهری دارای دو بعد اساسی عینی و ذهنی بوده و مفهومی بین رشته‌های روان‌شناسی، جغرافیای انسانی، مطالعات توسعه، اقتصاد و جامعه‌شناسی است و از دیدگاه پژوهشی مفهومی چندبعدی می‌باشد. نگاه ذهنی به کیفیت زندگی شهری را می‌توان محصول ادراکات فردی و رضایت شهروندان از زندگی دانست. اما نگاه عینی که از داده‌های ثانویه به‌دست می‌آید قابل لمس‌تر بوده و با آثار و نتایج کیفیت در زندگی اجتماعی قابل شناسایی است. به‌طور مثال خصوصیات که خانوارها به‌عنوان سبک زندگی به خود می‌گیرند یا میزان تحصیلات افراد یک محله، نمودی عینی از وضعیت کیفیت زندگی شهری است. به‌طور کلی دو سنت کاملاً مجزا در رابطه با کیفیت زندگی وجود دارد که عبارتند از:</p> <p>الف) رویکرد اسکاندیناویایی کیفیت زندگی: این رویکرد در بیشتر کشورهای اروپایی طرفدار داشته و توسط «جان درینوسکی» و «ریچارد تیتاموس» به‌وجود آمده است. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و مؤلفه‌های مرتبط با آن تأکید شده است.</p> <p>ب) رویکرد آمریکایی: محققان در این رویکرد بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگی‌شان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تأکید کرده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به «دبلیو. آی. توماس» اشاره کرد. در این رویکرد رضایت‌مندی و خوشبختی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی سنجش استفاده می‌شوند.</p> <p>در کنار دو رویکرد بالا، رویکردهایی نیز وجود دارند که هم بر ابعاد ذهنی و هم بر ابعاد عینی تأکید می‌کنند که از جمله می‌توان به روش‌های اقتصادی-اجتماعی ارزیابی کیفیت زندگی اشاره کرد. «زاف» کیفیت زندگی را ترکیبی از شرایط عینی و ذهنی افراد و گروه‌ها تعریف می‌کنند وی معتقد است که در ارزیابی کیفیت زندگی باید شرایط عینی زندگی افراد را با ارزیابی ذهنی آنها در خصوص شرایط زندگی‌شان به‌طور هم‌زمان در نظر گرفت. از دیدگاه «زاف» رضایت از زندگی به‌عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأیید است و به‌طور کلی در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شود:</p> <p>نوع ۱: رضایت ناشی از داشتن و برخورداری، نوع ۲: رضایت ناشی از ارتباط که معطوف به روابط اجتماعی است، نوع ۳: رضایت ناشی از بودن که دلالت بر کنترل زندگی دارد، نوع ۴: رضایت ناشی از اقدام و عمل که بیشتر ناشی از زمان اوقات فراغت است.</p>		
<p>شاخص کیفیت زندگی ارائه‌شده در روش «نامبو»، براساس هشت مؤلفه زیر اندازه‌گیری می‌شود: «شاخص قیمت مصرف‌کننده؛ شاخص قدرت خرید؛ نسبت قیمت دارایی به درآمد؛ شاخص مراقبت بهداشتی؛ شاخص ایمنی؛ شاخص زمان ترافیک شهری؛ شاخص آلودگی و شاخص آب و هوا».</p>	<p>شاخص کیفیت زندگی (quality-of-life index) (Where-to-be-born Index)</p>	<p>۸</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>شاخص قیمت مصرف کننده: این شاخص اندازه‌گیری تغییرات متوسط قیمت‌های پرداخت‌شده به‌وسیله مصرف‌کنندگان برای یک سبد بازاری از کالاها و خدمات مصرفی در طول زمان است.</p> <p>شاخص قدرت خرید: این شاخص قدرت نسبی خرید کالا و خدمات را در یک شهر معین و برای دستمزدهای متوسط آن شهر نشان می‌دهد.</p> <p>نسبت قیمت دارایی به درآمد: نسبت قیمت به درآمدسج‌های بنیادین برای توانایی خرید آپارتمان است (هرچه پایین‌تر، بهتر) که عموماً به‌صورت نسبت قیمت‌های میانه آپارتمان به درآمد قابل تصرف خانوار محاسبه می‌شود و به‌صورت سال‌های درآمد بیان می‌شود (هرچند در در جاهای دیگر، گونه‌های مختلف آن مورد استفاده قرار می‌گیرد).</p> <p>شاخص مراقبت بهداشتی: این شاخص یک برآورد کلی از سیستم مراقبت بهداشتی، متخصصان مراقبت بهداشتی، تجهیزات، کارکنان، پزشکان، هزینه و... است.</p> <p>شاخص ایمنی: شاخص ایمنی برخلاف شاخص جرم است و هرچه میزان جرایم در یک شهر کمتر باشد، شاخص ایمنی آن بالاتر است.</p> <p>شاخص زمان ترافیک شهری: این شاخص مرکب از زمان سپری‌شده در ترافیک به‌منظور انجام کارها، میزان CO2 تولیدشده در ترافیک و نارضایتی کلی از سیستم حمل‌ونقل است.</p> <p>شاخص آلودگی: شاخص آلودگی برآورد کلی از میزان آلودگی در شهرها است. بزرگ‌ترین وزن در این شاخص به آلودگی هوا و آب داده شده است که دو مؤلفه مهم در آلودگی هستند.</p>		
	<p>شاخص عملکرد زیست‌محیطی، روشی برای رتبه‌بندی عملکرد دولت‌های جهان از نظر اقدامات آنها برای حفظ و اصلاح پایدار اکوسیستم‌های کشورشان است. این شاخص بر اساس دو پارامتر «سلامت محیطی» و «اعتبارسنجی اکوسیستم‌ها» و از روی شاخص‌های جزئی‌تر آنها محاسبه می‌شود. شاخص عملکرد زیست‌محیطی به‌نوبه‌خود از «شاخص عملکرد محیطی پیلوت» توسعه یافته است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ معرفی شد و بر اساس تکمیل اهداف محیطی سازمان ملل برای نیل به «اهداف توسعه هزاره» طراحی شده بود. از طرفی شاخص عملکرد زیست‌محیطی به‌دنبال طرح مفهوم «شاخص پایداری محیط زیست» توسعه یافت که بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵ مطرح شد. هر دوی این شاخص‌ها توسط دانشگاه ییل و دانشگاه کلمبیا و با همکاری «نشست جهانی اقتصاد» و «مرکز تحقیقات کمیسیون اروپایی» توسعه یافت. شاخص پایداری به این دلیل مطرح شد که پایداری محیطی را در مقایسه با مسیر رشد کشورهای دیگر ارزیابی کند. به‌دلیل تغییر توجه تیمی که روی شاخص پایداری کار می‌کرد، برای محاسبه شاخص عملکرد از پارامترهای نتیجه‌محور استفاده شد تا سیاست‌گذاران، دانشمندان و طرفداران محیط زیست و افکار عمومی بتوانند به‌عنوان یک معیار محک مناسب به‌راحتی از آن استفاده کنند.</p> <p>تاکنون هفت گزارش شاخص عملکرد زیست‌محیطی ارائه شده است که شامل شاخص عملکرد محیطی پیلوت سال ۲۰۰۶ و نیز شاخص عملکرد ۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۶، ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ است. برای گزارش شاخص عملکرد ۲۰۱۲، شاخص جدیدی به نام «رونند شاخص عملکرد زیست‌محیطی» به صورت پیلوت توسعه یافت تا بتوان به کشورهای بر اساس تغییرات عملکرد زیست‌محیطی آنها در دهه گذشته نمره داد و معلوم کرد که کدام کشورها در حال پیشرفت و کدامیک در حال نزول هستند.</p> <p>شاخص عملکرد زیست‌محیطی ترکیبی از معیارها و کارکردهای مختلف دولت‌ها و عمدتاً شامل فعالیت‌های آنها در مورد دو شاخص سلامت محیطی (شاخص‌هایی مانند بهداشت آب، کیفیت هوا و پیامدهای سلامت محیط زیست) و پویایی یا اعتبارسنجی اکوسیستم‌ها (آب و هوا و انرژی، صید، جنگل‌ها، کشاورزی، تنوع زیستی و زیستگاه‌ها و منابع آب) است. برای محاسبه این شاخص، ۱۹ پارامتر مختلف در نظر گرفته شده و به هر یک نمره داده می‌شود. این پارامترها بر اساس اهداف دولت، سیاست‌های کلی و شاخه‌های فرعی</p>	<p>۹</p> <p>شاخص عملکرد زیست‌محیطی (environmental performance index)</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>آن بررسی می‌شود و تعداد آن می‌تواند با توجه به موقعیت محیط زیست و دغدغه‌های موجود در هر دوره تغییر کند.</p>		
<p>زیربنای اقتصادی بیشتر کشورهای جهان مشابه است و تولید ناخالص داخلی یا GDP، نشانگر واحدی است که پیشرفت یا پسرفت کشورها را نشان می‌دهد. این شاخص به قدری جایگاه دارد که تقریباً همه دولت‌ها تلاش می‌کنند «به هر قیمتی» آن را بهبود دهند. اما همان‌طور که گفته شد، تولید بیشتر خروجی مصرف بالاتر را به همراه دارد که حالا دیگر از توان طبیعت خارج شده است.</p> <p>اما GNH شاخصی است که این روزها کم‌کم بر سر زبان‌ها می‌افتد. این شاخص همواره با نام کشور «بوتان» همراه است. کشوری نه‌چندان شناخته‌شده در قلب آسیا که حتی برای کسانی که آن را می‌شناسند، یادآور چیزی به جز همین شاخص نیست و البته که این شاخص خود «همه» چیز است. GNH مخفف Gross National Happiness یا ناخالص شادی ملی است که در برابر GDP یا سرانه تولید ناخالص داخلی ایجاد شده است. این شاخص اولین بار توسط سران کشور بوتان معرفی شد و به‌طور خلاصه مواردی را به عنوان عامل شادی ملی معرفی می‌کند که تا پیش از این موضوعیت نداشت.</p> <p>این شاخص تنها برای کشور بوتان محاسبه می‌شود، و آمار جهانی ندارد. لذا امکان مقایسه بین کشوری را به ما نمی‌دهد.</p> <p>سرانه شادی ملی از آنجایی مورد استقبال قرار گرفت که بر نکاتی مثل زندگی ساده و برون‌رفت از روند مصرف‌گرایی تأکید ویژه دارد. تأکیداتی که علاوه بر بهروزی و شادی در راستای احترام به طبیعت و جلوگیری از تخریب بیشتر آن است.</p> <p>شاخص GNH شامل ۹ حیطة است:</p> <ul style="list-style-type: none"> - بهروزی ذهنی - تندرستی - آموزش - استفاده از زمان - تنوع و انعطاف‌پذیری فرهنگی - حکمرانی خوب - سرزندگی جامعه - تنوع و انعطاف‌پذیری اکوسیستم - استانداردهای زندگی <p>شاخص شادی ناخالص ملی شامل ۳۳ نماگر است:</p> <p>بهروزی ذهنی: رضایت از زندگی، تعادل عاطفی، معنویت</p> <p>تندرستی: خود ابرازی وضعیت تندرستی، روزهای تندرستی، معلولیت بلندمدت، تندرستی ذهنی</p> <p>آموزش: سواد، شایستگی آموزشی، دانش، ارزش‌ها</p> <p>تنوع و انعطاف‌پذیری فرهنگی: زبان، مهارت‌های صنعتگری، مشارکت اجتماعی-فرهنگی، ...</p> <p>استفاده از زمان: ساعات کار، ساعات خواب</p> <p>حکمرانی خوب: مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی، ارائه خدمات، عملکرد دولت</p> <p>سرزندگی جامعه: حمایت اجتماعی، روابط جامعه، خانواده، قربانیان جنایت</p> <p>تنوع و انعطاف‌پذیری اکوسیستم: آلودگی، پاسخگویی زیست‌محیطی، حیات وحش، مسائل شهری</p> <p>استانداردهای زندگی: درآمد خانوار، دارایی‌ها، کیفیت مسکن</p>	<p>شادی ناخالص ملی</p>	<p>۱۰</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>شاخص جهانی رقابت‌پذیری استعداد (GTCI) امسال که ۹۳ درصد جمعیت جهان را پوشش داده، بر استعدادهای کارآفرینی و رقابت‌پذیری جهانی متمرکز است. سازمان‌ها برای مقاومت کردن در برابر بازارهای متلاطم باید راه‌های پرورش این استعدادها را پیدا کنند.</p> <p>این شاخص توان کشورهای و شهرها در توانمندسازی، جذب، توسعه و حفظ استعدادها را رتبه‌بندی می‌کند. شاخص جهانی رقابت‌پذیری استعداد، شاخصی است بر مبنای ۶ ستون که ۴ ستون آن شامل مواردی می‌شود که در جهت سیاست‌گذاری برای جذب و نگهداری استعدادها در هر کشور است و ۲ ستون آن بر مبنای خروجی این سیاست‌گذاری‌ها.</p> <p>۱. توانمندسازی، محیط و سیاست کشورها در جذب، رشد و نگهداری ۲. جذب ۳. رشد ۴. نگهداری ۵. مهارت شغلی و نیروی کار ۶. مهارت دانش عمومی</p> <p>در گزارش به ارائه جزئیات، نحوه محاسبه و رتبه‌های مختلف کشورها در شاخص‌ها پرداخته شده است. نسخه ۲۰۱۸ شامل ۶۸ شاخص، ۱۱۹ کشور و ۹۰ شهر است، آنچه میان کشورهای برتر در این گزارش مشترک بوده، سیستم‌های آموزشی توسعه‌یافته‌ای هست که مهارت‌های اجتماعی و همکاری‌هایی که برای توسعه قابلیت‌های استخدام در بازار کار نیاز مورد نیاز است را موجب می‌شوند.</p>	<p>شاخص جهانی رقابت‌پذیری استعداد (global talent competitiveness index)</p>	<p>۱۱</p>
<p>این شاخص نتیجه مدیریت جدید داده‌های حکمرانی در سطح منطقه‌ای (به‌عنوان مثال پایین‌تر از سطح ملی) درون اتحادیه اروپا است. این داده‌ها اولین بار در سال ۲۰۱۰ جمع‌آوری و منتشر شد و سپس در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ تکرار شدند و دور بعدی آنها در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است. این شاخص مبتنی بر نظرسنجی گسترده از شهروندان است. از پاسخ‌دهندگان درباره ادراک و انتظاراتشان مربوط به فساد بخش عمومی سؤال می‌شود، و همچنین از شهروندان پرسیده می‌شود که تا چه حد باور دارند خدمات بخش عمومی به‌شکل بی‌طرفانه و با کیفیت خوب ارائه می‌شوند.</p> <p>این اولین منبع داده‌هایی است که به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا کیفیت دولت را در داخل و در میان کشورها در چند زمینه مقایسه کنند. هدف این است که پژوهشگران و سیاست‌گذاران ابزاری برای درک بهتر چگونگی تغییر حکمرانی درون کشورها در زمان حاضر و در طول زمان داشته باشند.</p> <p>شاخص کیفیت دولت اروپایی مبتنی بر سه رکن فساد، بی‌طرفی و کیفیت است.</p>	<p>شاخص اروپایی کیفیت دولت (European quality of government index) (EQI)</p>	<p>۱۲</p>
<p>یکی از عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، ریسک کشور سرمایه‌پذیر است. هر قدر ریسک یک کشور پایین‌تر باشد، امنیت و انگیزه برای سرمایه‌گذاری در آن کشور بیشتر خواهد بود. ریسک کشوری به ریسک عواملی اشاره دارد که بر توانایی و تمایل یک کشور یا یک وام‌گیرنده خاص برای تکمیل تعهداتش نسبت به یک یا بیش از یک وام‌دهنده یا سرمایه‌گذار تأثیر می‌گذارد. ریسک حاکمیت، ریسک سیاسی و ریسک اقتصادی و مالی سه مؤلفه مهم در تحلیل ریسک یک کشور هستند. میزان ریسک سرمایه‌گذاری کشورها را مؤسسه‌های بین‌المللی تعیین می‌کنند. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، گروه خدمات ریسک سیاسی PRS مؤسسه پژوهشی هرمس اوپلر از مهم‌ترین این مؤسسه‌ها به‌شمار می‌روند. شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری سابقه‌ای ۳۰ ساله در ارائه اطلاعات جامع و روزآمد از وضعیت مخاطرات سیاسی-اقتصادی کشورها به سرمایه‌گذاران بین‌المللی دارد. گروه خدمات ریسک سیاسی (PRS) این شاخص را منتشر می‌کند. این شاخص ترکیبی از سه زیر شاخص ریسک سیاسی، اقتصادی و مالی است که هر یک از ۵ تا ۱۰ مؤلفه تشکیل شده‌اند. این شاخص با سابقه‌ترین و پرکاربردترین</p>	<p>راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (international country risk guide) (ICRG)</p>	<p>۱۳</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>شاخص بین‌المللی ارزیابی مخاطرات اقتصادی است. در رتبه‌بندی ICRG از ۲۲ متغیر در ۳ زیرگروه سیاسی، مالی و اقتصادی استفاده می‌شود. در این مدل، ۱۴۰ کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند. در شاخص ریسک سیاسی ۱۲ شاخص اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرند که عبارتند از: ثبات حکومت، شرایط اقتصادی و اجتماعی، ریسک مصادره و بزنگشتن سود سرمایه‌های خارجی، درگیری داخلی، درگیری خارجی، تنش‌های قومی، فساد، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی، حاکمیت نظم و قانون، پاسخگویی حکومت در برابر مردم و کیفیت دیوان‌سالاری. ریسک اقتصادی بر اساس ۵ زیرشاخص نسبت تراز حساب جاری، نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم سالانه، تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد سالانه تولید ناخالص داخلی حقیقی سنجیده می‌شود. ثبات نرخ ارز، پوشش نقدینگی بین‌المللی واردات ماهانه، نسبت تراز حساب جاری به صادرات کالا و خدمات، نسبت پرداخت بدهی به صادرات کالا و خدمات و نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی، شاخص‌های تشکیل دهنده ریسک مالی هستند. بر اساس نتایج، امتیاز ۰-۴۹/۹ ریسک بسیار بالا، ۵۰-۵۹/۹ ریسک بالا، ۶۰-۶۹/۹ ریسک متوسط، ۷۰-۷۹/۹ ریسک پایین و ۸۰-۱۰۰ ریسک بسیار پایین را نشان می‌دهد.</p>		
<p>شدت انرژی، معیاری از ناکارآمدی اقتصاد یک کشور است که به‌عنوان میزان انرژی صرف شده برای هر واحد تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود. از واحدهای مختلفی برای این اندازه‌گیری استفاده می‌شود. مثلاً یک یا هزار یا یک میلیون دلار به‌عنوان واحد تولید ناخالص داخلی و معادل یک بشکه نفت خام یا ۱۰۰۰ بی‌تی‌یو، یا کیلوژول به‌عنوان واحد مصرف انرژی.</p> <p>شدت انرژی بالا بیانگر قیمت یا هزینه بالای تبدیل انرژی به تولید ناخالص داخلی است. شدت کم انرژی بیانگر قیمت یا هزینه پایین‌تر تبدیل انرژی به تولید ناخالص داخلی است. مثلاً اگر شدت مصرف انرژی در کشور الف دو برابر کشور ب باشد یعنی کشور الف برای تولید میزان برابری کالا و خدمات دو برابر کشور ب انرژی مصرف کرده‌است. شدت انرژی بالا به معنای تولید بالای صنعتی به‌عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی است. کشورهایی با شدت کم انرژی نشان‌دهنده اقتصاد متمرکز به نیروی کار هستند.</p> <p>در حال حاضر معیار شدت انرژی از جمله شاخص‌های راهبردی در کشورهای توسعه یافته‌است، که از آن برای بررسی افزایش کارایی انرژی هم از نظر کاهش وابستگی انرژی کشور به خارج و هم از نظر کنترل تبعات آب و هوایی مصرف بالای انرژی در داخل، استفاده می‌کنند.</p> <p>با توجه به روش‌های مختلفی که برای اندازه‌گیری شدت مصرف انرژی و همچنین تولید ناخالص داخلی وجود دارد، ارقام متفاوتی از شدت مصرف انرژی کشورها در منابع مختلف اعلام شده‌است. شدت مصرف انرژی از شاخص‌های مطلوب برای مقایسه بهره‌وری مصرف انرژی محسوب می‌شود اما با این تقیصه روبروست که معیارهایی چون شرایط آب‌وهوایی (مثل سرمای شدید)، تفاوت‌های جغرافیایی، و همچنین ساختارهای اقتصادی و نوع صنایع کشور در آن لحاظ نمی‌شود.</p> <p>شاخص شدت انرژی را می‌توان هم بر حسب واحدهای فیزیکی و هم بر حسب واحدهای پولی محاسبه کرد.</p> <p>واحدهای فیزیکی</p> <p>شدت انرژی در سطح یک صنعت یا یک فرآیند تولیدی خاص، بر حسب واحدهای فیزیکی محاسبه می‌شود. مقدار فیزیکی شدت انرژی حاصل تقسیم میزان انرژی مصرف‌شده (مثلاً بر حسب واحد ژول) به محصول تولیدشده (مثلاً به واحد لیتر یا تن) است.</p> <p>واحدهای پولی</p> <p>استفاده از معیار شدت انرژی فیزیکی در سطوح کلان به دلیل عدم تجانس محصولات مختلف و جمع‌ناپذیری فیزیکی آنها میسر نیست و الزاماً باید از واحدهای پولی برای اندازه‌گیری محصول استفاده</p>	<p>شاخص شدت انرژی (energy intensity index)</p>	<p>۱۴</p>

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
۱۵	شاخص کامیابی لگاتوم (legatum prosperity Index)	کرد. معیار شدت انرژی در این حالت، اقتصادی (و نه فیزیکی) خواهد بود، که همان نسبت انرژی صرف شده (بر حسب میلیون بشکه نفت خام یا BTU) به تولید ناخالص داخلی (بر حسب میلیارد دلار) است. شاخص توسعه لگاتوم یک رتبه‌بندی سالانه از توسعه را نشان می‌دهد. مؤسسه لگاتوم سنجش و رصد شاخص کامیابی را به عهده دارد و به چالش‌های مهم نسل جاری می‌پردازد. این مؤسسه هدف خود را به‌چنگ آوردن فرصت‌های جدید و اطمینان از انتقال آنها به نسل بعدی و افزایش کامیابی آنها عنوان می‌کند. رتبه‌بندی بر اساس معیارهای مختلفی از جمله ثروت، رشد اقتصادی، تحصیلات، بهداشت، رفاه شخصی و کیفیت زندگی انجام می‌شود. شاخص کامیابی لگاتوم ابزاری برای سنجش میزان کامیابی در جهان ارائه می‌کند. این شاخص تلاش کرده است تصویری جامع از کامیابی ارائه کند به طوری که همه ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رفاه را دربرگیرد. اجزای مختلف این شاخص بر اساس حوزه‌های سیاست‌گذاری از هم تفکیک شده‌اند چراکه هدف اصلی این شاخص آن است که به کشورها در تغییر مسیر و تحول کمک کند. منظور از کامیابی شرایطی است که در آن همه افراد قادر باشند همه ظرفیت‌هایشان را شکوفا کنند. یک ملت در صورتی کامیاب می‌شود که نهادهای کارآمد، اقتصاد باز و مردم توانمندی داشته باشند که آموزش دیده و در سلامت و امنیت باشند. آخرین گزارش این شاخص که مربوط به سال ۲۰۲۰ است ۱۶۷ کشور را دربرمی‌گیرد که شامل ۹۹/۴ درصد از کل جمعیت جهان است. این شاخص اولین بار در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است. این شاخص عملکرد هر کشور را در قالب سه دامنه جوامع فراگیر، اقتصادهای باز و انسان‌های توانمند تحلیل می‌کند. این دامنه‌ها ۱۲ زیرشاخص را پوشش می‌دهند که دربرگیرنده ۶۵ نامگر هستند و این نامگرها خود با ۲۹۴ سنجه اندازه‌گیری می‌شوند.
۱۶	شاخص جهانی نوآوری (global innovation index)	شاخص جهانی نوآوری یک رتبه‌بندی جهانی بر اساس ظرفیت و نوآوری کشورها را نشان می‌دهد. این شاخص، کشورها را بر اساس توانمندی آنها در نوآوری رتبه‌بندی می‌کند. در این شاخص این باور وجود دارد که نوآوری چنانچه با کیفیت همراه باشد منجر به رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌شود. از این جهت لازم است سیاست‌گذاران به زیرساخت‌های لازم برای ایجاد انگیزه جهت نوآوری توجه کنند. شاخص نوآوری را این‌گونه تعریف می‌کنند: نوآوری می‌تواند دربرگیرنده یک محصول جدید یا بهبود یافته (کالا یا خدمات)، یک فرآیند جدید، شیوه جدید بازاریابی، یا یک شیوه سازمانی جدید کسب‌وکار، سازمان محل کار یا روابط خارجی باشد. این شاخص یکی از شاخص‌های مرجع برای اندازه‌گیری عملکرد نوآورانه کشورهاست که طیف وسیعی از نامگرها را در نظر می‌گیرد و همین ویژگی آن را از مقیاس‌های قدیمی نظیر «تحقیق و توسعه» متمایز می‌کند. سیاست‌گذاران می‌توانند از یافته‌های این شاخص جهت سیاست‌گذاری برای بهبود خروجی‌های بلندمدت رشد اقتصادی، تولید بهتر و رشد اشتغال استفاده کنند. آخرین گزارش این شاخص روایت وضعیت نوآوری در جهان در سال ۲۰۲۰ است که نسخه دوازدهم این گزارش است و ۱۲۹ کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. شاخص جهانی نوآوری دربرگیرنده دو دامنه است که عبارتند از: درون‌دادهای نوآوری و برون‌دادهای نوآوری. هر دامنه دارای چند زیرشاخص است و زیرشاخص‌ها، خود دربرگیرنده چندین نامگر هستند. نسخه آخر این گزارش با مشارکت دانشگاه کرنل، مؤسسه INSEAD در فرانسه، و سازمان جهانی مالکیت فکری استخراج شده است. برای محاسبه نمره کل این شاخص ابتدا نمرات هر نامگر بر اساس میانگین وزن‌دار سنجه‌ها محاسبه می‌شود و سپس نمره هر زیرشاخص براساس میانگین وزن‌دار نمرات نامگرها تعیین می‌شود.
۱۷	شاخص پیشرفت اجتماعی (social progress index)	شاخص پیشرفت اجتماعی در تلاش است پیشرفت اجتماعی را مستقیماً و بدون در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی اندازه‌گیری کند. از نظر این شاخص، با در نظر گرفتن سنجه‌های اقتصادی می‌توان به صورت نظام‌مند و دقیق رابطه بین توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی را تحلیل کرد. این شاخص، پیشرفت

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>اجتماعی را این گونه تعریف می کند: « ظرفیت جامعه برای رفع نیازهای اولیه شهروندانش و همین طور ایجاد شرایطی که پایداری زندگی شهروندان و اجتماعات تضمین شود و همه افراد به ظرفیتها و پتانسیل هایشان تحقق کامل ببخشند». این شاخص از سال ۲۰۱۳ آغاز به کار کرده است و آخرین گزارش آن که مربوط به سال ۲۰۲۰ است ۱۶۳ کشور را دربرمی گیرد. این شاخص دارای ۳ دامنه است که این دامنهها دربرگیرنده ۱۲ زیرشاخص هستند و در نهایت زیرشاخصها ۵۱ نامگر را در خود جای داده اند. « ضرورت پیشرفت اجتماعی» یک سازمان جهانی غیرانتفاعی در واشنگتن است که شاخص پیشرفت اجتماعی را جهت بهبود سیاست گذاری در حوزه های سلامت زیست محیطی و سلامت اجتماعی محاسبه می کند. این شاخص مدیرانی از کشورهای مختلف از هند گرفته تا برزیل و انگلیس را با خود همراه کرده است. شاخص مورد بررسی، اجزایش را با مشورت فکری از پنل تخصصی خود انتخاب کرده و با میانگین نمرات نامگرها به نمرات زیرشاخصها و با میانگین نمرات زیرشاخصها به نمرات هر دامنه می رسد. در طول این فرآیند وزن برابر برای بخش های هر مجموعه در نظر گرفته می شود.</p>		
<p>شاخص جهانی حکمرانی، دربرگیرنده شش زیر شاخص تجمیعی است که وضعیت حکمرانی در بیش از ۲۰۰ کشور را گزارش می کند. این گزارش اولین بار در سال ۱۹۹۶ منتشر شد و آخرین نسخه آن مربوط به سال ۲۰۲۰ است. این گزارش از سال ۲۰۰۲ به صورت سالانه و پیش از آن به صورت دو سال یک بار منتشر شده است. این پروژه درک افراد از حکمرانی را می سنجد. تعریف این پروژه از حکمرانی این گونه است: حکمرانی دربرگیرنده سنتها و نهادهایی است که در جامعه اعمال اقتدار می کنند. حکمرانی شامل سه دسته فرآیند است: انتخاب دولتها، کنترل دولتها و تغییر دولتها؛ توانایی دولتها برای اتخاذ سیاستهای درست؛ و وفاداری و اعتماد شهروندان و حاکمیت به نهادهای اقتصادی و اجتماعی. پروژه زیرشاخصهای حکمرانی با به کارگیری بیش از ۳۰۰ نامگر و تجمع آنها در قالب ۶ زیرشاخص، و استفاده از بیش از ۳۰ منبع داده، بزرگترین منبع در دسترس برای سنجش کیفیت حکمرانی را فراهم کرده است. این شاخص به شکل جامع، ابعاد سیاسی، اقتصادی و نهادی حکمرانی را محاسبه می کند. روش شناسی این پروژه، مقداری برای خطای استاندارد در نظر گرفته و صرفاً به ارائه رتبه بندی کشورها اکتفا نکرده است. از نظر مجریان این پروژه در نظر گرفتن حاشیه خطا برای نمره هر کشور نه تنها امکان مقایسه بین کشورها را دقیق تر کرده است و تصویر واقع بینانه و به دور از اغراق از وضعیت حکمرانی در هر کشور ارائه می کند، بلکه ثابت می کند اندازه گیری حکمرانی کار آسانی نیست و همیشه احتمال خطای اندازه گیری وجود دارد. مجریان این پروژه در نتیجه مقایسه هایی که بین نمرات کشورها در این زیرشاخصها و وضعیت توسعه آنها انجام داده اند، معتقدند یک رابطه علی قوی بین یک حکمرانی خوب و دستاوردهای توسعه ای از جمله درآمد سرانه بالا، نرخ مرگومیر پایین نوزادان و نرخ بالای سواد وجود دارد. زیرشاخصهای این پروژه عبارتند از:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی به بررسی درک افراد از موضوعاتی نظیر میزان حق شهروندان برای انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی رسانهها می پردازد. ۲- ثبات سیاسی و نبود خشونت و تروریسم درک افراد از احتمال بی ثباتی سیاسی و خشونت سیاسی مانند تروریسم را اندازه گیری می کند. ۳- اثرگذاری دولت درک افراد از میزان کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهری و استقلال آن از نیروهای سیاسی؛ کیفیت شکل گیری و اجرای سیاستها و اعتبار تعهد دولت به سیاستها را می سنجد. ۴- کیفیت مقررات 	<p>شاخص جهانی حکمرانی (world governance indicators)</p>	<p>۱۸</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>درک افراد از میزان توانایی دولت در ایجاد و اجرای سیاست‌ها و مقررات مربوط به توسعه بخش خصوصی را ارزیابی می‌کند.</p> <p>۵- حاکمیت قانون</p> <p>درک افراد از میزان اعتماد افراد و گروه‌ها، به‌ویژه گروه‌های دارای قدرت سیاسی به قوانین جامعه و به‌طور خاص، کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس، دادگاه‌ها و همین‌طور احتمال جرم و خشونت را اندازه‌گیری می‌کند.</p> <p>۶- کنترل فساد</p> <p>این پروژه توسط دانیل کافمن از مؤسسه حکمرانی منابع طبیعی و مؤسسه بروکینگز، و آرت کرای از گروه پژوهشی توسعه بانک جهانی با حمایت مالی بانک جهانی انجام شد. گروهی دیگر از پژوهشگران نیز در انجام این پروژه مشارکت دارند. شش زیرشاخص پروژه حکمرانی، محصول ترکیب دیدگاه‌های تعداد زیادی از شهروندان، شرکت‌ها، و متخصصان است که از طریق پیمایش در کشورهای صنعتی و در حال توسعه به‌دست آمده است. داده‌های مربوط به نماگرهای این زیرشاخص‌ها، ترکیبی از بیش از ۳۰ منبع است که این منابع شامل مؤسسه‌های پژوهشی، اندیشکده‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسات بخش خصوصی هستند. این داده‌ها برای استفاده، مجدداً مقیاس‌بندی و تجمیع شده و در نهایت آن شش زیر شاخص به‌دست می‌آیند.</p>		
	<p>شاخص توسعه انسانی (human development index)</p>	<p>۱۹</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<p>ارزش، نمایانگر اهداف الهام بخش کشورهاست. محاسبه نمره هر زیرشاخص برای هر کشور از طریق این معادله انجام می‌شود:</p> <p>(ارزش واقعی - ارزش حداقلی) / (ارزش حداکثری - ارزش حداقلی)</p> <p>همان گونه که گفته شد نمره شاخص توسعه انسانی میانگین هندسی این سه زیرشاخص است. این شاخص جهت تکمیل داده‌های مفقود از مدل‌های رگرسیون بین کشوری استفاده کرده است. همین‌طور جهت تجمیع شاخص توسعه انسانی برای گروه‌ها (مجموع کشورهای برحسب منطقه یا درآمد) به میانگین آن زیرشاخص در گروه مورد نظر وزن داده است. امید به زندگی و درآمد ناخالص داخلی سرانه برحسب کل جمعیت، سال‌های مورد انتظار برای آموزش برحسب جمعیت بین ۵ تا ۲۴ سال، و میانگین سال‌های مدرسه برحسب جمعیت ۲۵ سال به بالا وزن‌دهی شده‌اند.</p>		
<p>هدف شاخص جهانی صلح ارائه یک تصویر داده‌محور پیرامون صلح، امنیت و توسعه در جهان است. این شاخص تلاش می‌کند با استفاده از داده‌های مربوط به صلح، خشونت و توسعه، به تحلیل بحران‌های جهانی بپردازد.</p> <p>آخرین نسخه این شاخص در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است که در واقع گزارشی از روند صلح و خشونت در سال ۲۰۱۹ است. این نسخه ۱۶۳ کشور را مورد مطالعه قرار می‌دهد که در مجموع ۹۹/۷ درصد جمعیت جهان را پوشش می‌دهد. شاخص جهانی صلح مقیاسی برای اندازه‌گیری صلح ایجاد می‌کند و از رابطه بین کسب‌وکار، صلح و رفاه پرده برمی‌دارد و همین‌طور از عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار بر صلح، فهم بهتری ایجاد می‌کند، زیرا صلح از ملزومات رفاه و پیشرفت انسانی محسوب می‌شود.</p> <p>خشونت و دامن‌زدن به خشونت منجر به کاهش تولید و هزینه‌های ناموجه می‌شود. بنابراین محاسبه خشونت نکات مهمی برای ارزیابی تأثیرات آن بر فعالیت‌های اقتصادی دارد. طبق یافته‌های این شاخص، رژیم‌های اقتدارطلب ۳/۷ درصد درآمد از ناخالص داخلی‌شان را صرف هزینه‌های نظامی می‌کنند در حالی که این رقم در کشورهای دموکرات حدود ۱/۴ درصد است. این ادعا نشان‌دهنده ارتباط صلح و صلح‌آمیز بودن با میزان تأثیرات اقتصادی خشونت بر کشورهاست. خشونت تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد اقتصادی در کل جهان دارد. در ۱۰ کشوری که بیشترین تأثیر را از خشونت پذیرفته‌اند تأثیر اقتصادی خشونت معادل ۴۱ درصد از درآمد ناخالص داخلی آن کشورها برآورد شده است. در مقابل، این میزان برای کشورهایی که کمتر تحت تأثیر خشونت بوده‌اند معادل ۴ درصد از درآمد ناخالص داخلی آنهاست.</p> <p>از سوی دیگر، تأثیر اقتصادی خشونت بر اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ با در نظر گرفتن برابری قدرت خرید حدود ۱۴/۵ تریلیون دلار برآورد شده است. این میزان برابر با ۱۰/۶ درصد از کل فعالیت اقتصادی جهان (تولید ناخالص جهان) یا معادل ۱/۹۱ دلار به‌ازای هر شهروند جهانی است. شاخص صلح از ۲۳ زیرشاخص کمی و کیفی تشکیل شده است که در قالب ۳ دامنه می‌گنجد. در ادامه این سه دامنه و زیرشاخص‌های آنها معرفی می‌شوند.</p> <p>میزان امنیت و ایمنی اجتماعی</p> <ul style="list-style-type: none"> - میزان درک افراد از جرم در جامعه - تعداد پناهندگان و مهاجران داخلی برحسب جمعیت - بی‌ثباتی سیاسی - میزان ترور سیاسی - تأثیر تروریسم - نرخ قتل به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر 	<p>شاخص جهانی صلح (global peace index)</p>	<p>۲۰</p>

توضیح	عنوان شاخص	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> - میزان جرائم خشن - احتمال وقوع اعتراضات خشن - تعداد زندانیان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر - تعداد پلیس امنیت داخلی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر - میزان ستیز (خشونت) داخلی و بین المللی در جریان - تعداد و مدت زمان ستیز داخلی - تعداد مرگ و میر ناشی از ستیز سازمان یافته خارجی - تعداد مرگ و میر ناشی از ستیز سازمان یافته داخلی - تعداد، مدت زمان و نقش کشورها در اختلافات خارجی - شدت ستیز سازمان یافته داخلی - رابطه با کشورهای همسایه <p>میزان نظامی شدن</p> <ul style="list-style-type: none"> - هزینه های نظامی برحسب سهم درصدی آن از درآمد ناخالص داخلی - تعداد کارمندان نظامی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر - حجم نقل و انتقال سلاح به عنوان کشور دریافت کننده (واردکننده) به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر - حجم نقل و انتقال سلاح به عنوان کشور عرضه کننده (صادرکننده) به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر - مشارکت مالی در مأموریت های صلح آمیز سازمان ملل متحد - تجهیزات هسته ای و سلاح های سنگین - سهولت دسترسی به سلاح های سبک و کوچک <p>شاخص جهانی صلح یکی از عناوین زیرمجموعه «چشم انداز بشریت» است که توسط «مؤسسه اقتصاد و صلح» محاسبه و گزارش می شود. این مؤسسه یک اندیشکده مستقل است که شعبه مرکزی آن در سیدنی استرالیا قرار دارد و ۵ شعبه دیگر در سطح جهان دایر کرده است. این مجموعه دربرگیرنده پژوهشگران، متخصصان امور کشورهای مختلف، و متخصصان و مشاوران صلح است. ۲۳ زیرشاخص صلح توسط پنل متخصصان در سال ۲۰۱۷ انتخاب شده اند و سالانه نیز اصلاح می شوند. نمرات هر زیرشاخص بر روی یک مقیاس از ۱ تا ۵ استاندارد شده به طوری که زیرشاخص های کیفی به ۵ قسمت تقسیم شده اند و زیرشاخص های کمی از بین ۱ تا ۵ و تا رقم سوم اعشار نمره گرفته اند. این نمرات برحسب اهمیتشان در تعیین نمره نهایی شاخص و با نظر پنل متخصصان تعیین شده اند.</p> <p>در ادامه این زیر شاخص ها به دو زیرشاخص کلی تبدیل می شوند: نخست، مقیاسی برای برآورد اینکه اوضاع داخلی یک کشور چقدر صلح آمیز است و دوم، مقیاسی برای برآورد اینکه یک کشور در خارج از مرزهای خود چقدر صلح آمیز است. سپس به زیرشاخص اول ۶۰ درصد و به زیرشاخص دوم ۴۰ درصد وزن نسبت داده شده است. این تصمیم پنل متخصصان بر اساس این فرضیه بوده که کشورهایی که در داخل مرزهای خود صلح آمیزند به احتمال زیاد خارج از مرزها هم روابط صلح آمیزی دارند. در نهایت نمره میزان صلح آمیز بودن هر کشور به تفکیک زیرشاخص های ۲۳ گانه، دامنه های ۳ گانه و در نهایت کل شاخص در بازه ۱ تا ۵ تعیین می شود. هرچه نمره یک کشور در هر زیرشاخص یا کل شاخص به ۵ نزدیک باشد میزان خشونت بیشتر، و هرچه به صفر نزدیک باشد میزان صلح بیشتر است.</p>	<p>شاخص بین المللی حقوق مالکیت (international property rights index)</p>	<p>۲۱</p>
<p>شاخص بین المللی حقوق مالکیت یکی از شاخص های جهانی است که حقوق مالکیت مادی و معنوی را به طور کامل اندازه گیری می کند. در آخرین سال انتشار گزارش شاخص حقوق مالکیت یعنی سال ۲۰۲۰، ۱۲۹ کشور مورد بررسی قرار گرفته اند که ۹۸ درصد تولید ناخالص داخلی و ۹۴ درصد جمعیت جهان را</p>	<p>شاخص بین المللی حقوق مالکیت (international property rights index)</p>	<p>۲۱</p>

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		تشکیل می دهند. این شاخص ابزاری را برای سیاست‌گذاران، جوامع تجاری و فعالان مدنی ایجاد می‌کند تا اهمیت این شاخص در ایجاد یک جامعه مرفه و عادلانه مشخص شود. در گزارش این شاخص که در سال ۲۰۲۰ منتشر شده، تلاش شده است رابطه‌ای قوی بین حقوق مالکیت و سایر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی رفاه از جمله برابری جنسیتی، کارآفرینی، تحقیق و توسعه، توسعه انسانی، فعالیت مدنی و... برقرار شود. شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت، نمایانگر وضعیت نهادهای نظام حقوق مالکیت است. این نهادها که به‌نوعی دامنه‌های این شاخص هستند عبارتند از: محیط قانونی و سیاسی، حقوق مالکیت مادی و حقوق مالکیت معنوی. شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت تنها شاخصی است که در مقیاس جهانی به‌طور اختصاصی به سنجش حقوق مالکیت مادی و معنوی اختصاص یافته است. محیط قانونی و سیاسی چهار زیرشاخص دارد که عبارتند از: استقلال سیستم قضایی کشور، حاکمیت قانون، کنترل فساد، و ثبات نظام سیاسی کشور. زیرشاخص‌های حقوق مالکیت مادی عبارتند از: حمایت از حقوق مالکیت مادی، ثبت مالکیت و دسترسی به اعتبار، و اجزای حقوق مالکیت معنوی عبارتند از: حمایت از حقوق مالکیت معنوی، حمایت از حق ثبت اختراع، حق کپی‌رایت.
۲۲	شاخص آزادی اقتصادی (index of economic freedom)	شاخص آزادی اقتصادی یک شاخص و رتبه‌بندی جهانی است که به‌صورت سالانه برای سنجش میزان آزادی ملت‌های جهان منتشر می‌شود. سازندگان این شاخص بیان می‌کنند که با الهام از نظرات آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل، وجود نهادهای اساسی جهت محافظت از آزادی افراد منجر به دستیابی به منافع اقتصادی بیشتر می‌شود که در نتیجه رفاه بیشتر را برای جامعه فراهم می‌آورد. البته اعتبار این شاخص مورد اختلاف اندیشمندان است. در وب‌سایت بنیاد هریتیج آمده است که آزادی اقتصادی برای کنترل کار و مال افراد حق هر انسانی است. جامعه‌ای که از نظر اقتصادی آزاد است، افراد آزاد هستند به هر روشی که بخواهند، کار کنند، تولید کنند، مصرف کنند و سرمایه‌گذاری کنند. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در مؤسسه کاتو، بالا بودن آزادی اقتصادی در کشورها میزان مشارکت و همکاری آنها را افزایش داده و همچنین نقش آن در جلوگیری از ایجاد جنگ بسیار قابل توجه است. طبق محاسبات صورت‌گرفته وجود آزادی اقتصادی در کشورها ۵۴ برابر مؤثرتر از وجود دموکراسی در کاهش درگیری‌های خشونت‌آمیز عمل می‌کند. کشورها بر اساس رتبه‌بندی این شاخص رتبه‌ای بین صفر تا ۱۰۰ را دارند. در اینجا صفر به معنی عدم آزادی و عدد ۱۰۰ نشان دهنده آزادی کامل اقتصادی است.
۲۳	شاخص کرامت انسانی (human dignity index)	شاخص جهانی کرامت انسانی، کرامت انسانی را در بیش از ۱۸۰ کشور می‌سنجد. کرامت انسانی مفهومی است که بر اساس حقوق بشر تدوین شده است. این شاخص دارای ۴ حوزه کلی و ۱۰ زیرحوزه و بیش از ۴۰ شاخص است. این چهار حوزه و اجرای آنها عبارتند از: کرامت در زمان تولد (امنیت به‌دنیا آمدن و به‌دنیا آوردن، سلامت مادر و فرزند در اولین سال‌های پس از تولد نوزاد)، کرامت و خوشکوفایی برای زنان و مردان (احترام به زندگی خود و دیگران، پیری با کرامت در یک جامعه پایدار، کرامت برابر برای زنان و مردان)، آزادی انتخاب و فرصت خودشکوفایی (حق تحصیل و کار برای یک زندگی آبرومندانه، حق ازدواج و تشکیل خانواده، آزادی زندگی در کشور خود)، احساس شادی و کرامت در یک جامعه فراگیر (تسامح و انسجام، احساس شادی و خوشکوفایی).
۲۴	شاخص جهانی حقوق (global rights index)	شاخص جهانی حقوق به ارزیابی اتحادیه‌های صنفی و حقوق بشر در کشورهای مختلف می‌پردازد که به‌صورت سالانه انتشار می‌یابد. این شاخص برای اولین بار در سال ۲۰۱۴ توسط کنفدراسیون اصناف بین‌المللی ارائه شد. در این شاخص، کشورها بین عدد ۱ تا ۵ رتبه‌بندی می‌شوند عدد ۱ بهترین وضعیت و عدد ۵ بدترین وضعیت را از نظر این شاخص دارا است. طبق ارزیابی‌های صورت‌گرفته در سال ۲۰۲۰ هیچ کشوری رتبه ۵ را کسب نکرده است. این رتبه‌بندی بر اساس ۹۷ شاخص برگرفته از استانداردهای سازمان بین‌المللی کار است. این شاخص سالانه موارد نقض حقوق اتحادیه‌های صنفی را گزارش می‌دهد که توسط

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		دولت و کارفرمایان باعث محدود کردن حقوق کارگران می‌شود که شامل مواردی چون محدودیت در معاملات جمعی، محدودیت در حق اعتصاب، جلوگیری از عضویت در اتحادیه‌های صنفی و... است.
۲۵	شاخص تعهد به کاهش نابرابری (commitment to reducing inequality index)	در سال ۲۰۱۵ رهبران ۱۹۳ کشور، قول دادند که نابرابری را به‌عنوان بخشی از اهداف توسعه پایدار کاهش دهند. بنابراین رتبه‌بندی در این شاخص به‌واسطه تلاشی است که دولت‌ها برای کاهش نابرابری انجام می‌دهند. بدون کاهش نابرابری رسیدن به توسعه پایدار و از بین بردن فقر غیرممکن است. در این شاخص ۱۵۲ کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مبنای مقایسه آنها هزینه‌ها و اقدامات صورت‌گرفته در سه بخش، هزینه‌های اجتماعی، مالیات و حقوق مربوط به نیروی کار است که نقش مهمی در کاهش نابرابری خواهند داشت.
۲۶	شاخص زندگی بهتر (better life index)	شاخص زندگی بهتر این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان به مقایسه کشورهای مختلف بر اساس معیارهای اساسی پرداخت. برای این مقایسه به بررسی ۱۱ زیرشاخص پرداخته می‌شود. این شاخص اولین بار در سال ۱۹۶۱ مورد بررسی قرار گرفت و هدف آن کمک به دولت‌ها برای اتخاذ سیاست‌های کارا تر برای بهبود زندگی شهروندان خود بوده است. ۱۱ زیرشاخص مورد بررسی برای مقایسه عبارتند از: امکانات مادی که شامل، مسکن، درآمد و شغل است؛ کیفیت زندگی که شامل، جامعه، تحصیلات، محیط زیست، حاکمیت، بهداشت، رضایت از زندگی، ایمنی و کار است. اینها وجوهی هستند که برای تأمین رفاه و برقراری تعادل در زندگی ضروری هستند. هر کدام از زیرشاخص‌های مورد بررسی نیز بر اساس نماگرهای متعددی تعریف می‌شوند. برای مثال در مورد شغل، ۴ معیار جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند: نرخ اشتغال، درآمد شخص، نرخ بیکاری طولانی مدت و امنیت شغلی. همه موارد گفته‌شده به تفکیک جنسیت در این شاخص مورد بررسی قرار گرفته است.
۲۷	شاخص کیفیت فیزیکی زندگی (physical quality of life index)	شاخص کیفیت فیزیکی زندگی (PQLI) تلاشی برای سنجش کیفیت زندگی و یا رفاه یک کشور است. این شاخص میانگین نمره ۳ زیرشاخص، نرخ سواد ابتدایی، مرگ‌ومیر نوزادان و امید به زندگی است که هر سه با وزن‌های مساوی بین عدد صفر تا ۱۰۰ رتبه‌بندی می‌شوند. این شاخص در اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط موريس دیوید ارائه شد؛ زیرا به نظر می‌رسید شاخص GNP به‌تنهایی نمی‌تواند مبنایی برای مقایسه توسعه باشد. البته انتقادهای زیادی به این شاخص وارد است از جمله اینکه امکان اندازه‌گیری کیفیت زندگی به‌صورت کمی و عددی دشوار است؛ همچنین همبستگی قابل توجهی بین مرگ‌ومیر نوزادان و امید به زندگی وجود دارد.
۲۸	شاخص بهروزی ناخالص ملی (gross national wellbeing)	بهروزی ناخالص ملی، یکی از معیارهای اندازه‌گیری توسعه است. این شاخص (GNW) به بررسی کشورها از ۷ بعد اقتصادی، زیست‌محیطی، جسمی، روحی، شغلی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. این شاخص هم داده‌های ذهنی را دربرمی‌گیرد که از طریق نظرسنجی استخراج می‌شود و هم داده‌های عینی را شامل می‌شود. شاخص GNW به‌عنوان اولین شاخص خوشبختی ناخالص ملی در نظر گرفته می‌شود. این شاخص اولین بار در سال ۲۰۰۵ در مؤسسه مدیریت بین‌المللی در ایالات متحده ارائه شد.
۲۹	شاخص زندگی انسان (the human life indicator)	شاخص HLI، شاخص ساده‌ای برای اندازه‌گیری رفاه است که می‌تواند جایگزین شاخص HDI شود و باعث تعدیل مشکلات موجود در این شاخص شود. این شاخص به بررسی رفاه در سال‌های زندگی می‌پردازد. HLI برخلاف معیارهای فعلی علاوه بر اینکه مقادیر متوسط زیرشاخص‌ها در نظر می‌گیرد، میزان نابرابری را نیز در طول زندگی مشخص می‌کند. یکی از ویژگی‌های این شاخص این است که در برابر شوک‌های کلان واکنش نشان می‌دهد.
۳۰	گزارش جهانی شادی (world happiness report)	گزارش جهانی شادی، به وضعیت شادی مردم جهان می‌پردازد و برای اولین بار کشورهای جهان را از نظر ذهنی رده‌بندی می‌کند. این گزارش بر اساس داده‌های متنوعی تهیه شده است، اما مهم‌ترین منبع،

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		<p>نظرسنجی جهانی گالوپ بوده است. اولین گزارش جهانی شادی در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است. از سال ۲۰۱۶ همزمان با روز جهانی شادی این گزارش به صورت سالانه در تاریخ ۲۰ مارس توسط سازمان ملل متحد منتشر می‌شود. این نظرسنجی بر اساس نردبان کانتربیل صورت می‌گیرد؛ به این صورت که از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود به یک نردبان فکر کنند که بر اساس آن بهترین زندگی، نمره ۱۰ و بدترین زندگی نمره صفر را دارد. سپس از آنها خواسته می‌شود که زندگی فعلی خود را در مقیاس صفر تا ۱۰ رتبه‌بندی کنند. سؤالات استفاده شده در نظر سنجی گالوپ در ۱۴ حوزه ۱۰-تجارت و اقتصاد-۲ مشارکت شهروندان-۳ ارتباطات و فناوری-۴ تنوع مسائل اجتماعی ۵-آموزش و خانواده ۶-احساسات (بهبیستی) ۷-محیط زیست و انرژی ۸-غذا و سرپناه ۹-دولت و سیاست ۱۰-نظم و قانون ۱۱-بهداشت ۱۲-دین و اخلاق ۱۳-حمل و نقل ۱۴-اشتغال و کار است.</p>
۳۱	شاخص درک فساد (corruption perceptions index)	<p>شاخص درک فساد (CPI)، شاخصی است که از سال ۱۹۹۵ هر ساله توسط سازمان شفافیت بین‌الملل مستقر در برلین منتشر می‌شود و کشورها را بر اساس سطح فساد در بخش عمومی ارزیابی می‌کند. در این شاخص فساد به عنوان سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌شود. آخرین شاخص درک فساد سال ۲۰۲۰ در ژانویه سال ۲۰۲۱ منتشر شده است. این گزارش ۱۸۰ کشور را در مقیاس بین صفر تا ۱۰۰ امتیازبندی می‌کند. امتیاز ۱۰۰، بهترین رتبه از نظر شفافیت را داراست و امتیاز صفر کشورهایی با فساد بسیار بالا را نشان می‌دهد. شاخص CPI بر اساس آمار به دست آمده از ۱۲ مؤسسه مختلف محاسبه می‌شود. مطالعه انجام شده در سال ۲۰۱۲ نشان داد بین شاخص درک فساد و دو متغیر فعالیت در بازار سیاه و تعدد مقررات یک رابطه معنادار قوی وجود دارد. تحقیقات صورت گرفته نشان داد که بین شاخص درک فساد و پیامدهای اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی ارتباط وجود دارد به گونه‌ای که هر چه CPI در یک کشور بالاتر باشد رشد اقتصادی در بلندمدت نیز بالاتر است؛ علاوه بر آن به ازای هر واحد افزایش در CPI تولید ناخالص داخلی به اندازه ۱/۷ درصد افزایش داشته است. همچنین با افزایش مقدار این شاخص در یک کشور مقدار سرمایه‌گذاری خارجی نیز افزایش داشته است. انتقادهای زیادی نیز به این شاخص وارد است؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فساد مفهومی پیچیده است که نمی‌توان آن را با یک عدد مشخص کرد. همچنین این شاخص به اندازه‌گیری فساد در بخش دولتی می‌پردازد و بخش خصوصی را نادیده می‌گیرد.</p>
۳۲	شاخص هماهنگی (harmony index)	<p>بسیاری از شاخص‌های جهانی کشورها را بر اساس مواردی چون آزادی، ثروت و یا خوشبختی رتبه‌بندی می‌کنند؛ اما نقص عمده همه آنها این است که در این شاخص‌ها، روابط اجتماعی متنوع و غنی برای رفاه انسانها نادیده گرفته می‌شود. شاخص هارمونی یا HI در تلاش است این نقص را برطرف کند. این شاخص ۴ رابطه که رفاه انسان‌ها به آن وابسته است را اندازه‌گیری می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند کشورهای کوچک‌تر و نسبتاً ثروتمند تمایل به هماهنگی بیشتری دارند. در مقایسه با سایر شاخص‌های جهانی شاخص هارمونی کمتر تحت تأثیر سرانه تولید ناخالص داخلی و میزان دموکراسی در یک کشور قرار دارد. چنانچه افراد روابط اجتماعی قوی داشته باشند رضایت بیشتری نیز از زندگی خواهند داشت. جمعیت افراد ساکن در یک کشور می‌تواند نقش مهمی در این هماهنگی داشته باشد. هرچه جمعیت کمتر باشد امکان ایجاد این هماهنگی بیشتر است.</p>
۳۳	شاخص درآمد ناخالص ملی (gross national income index)	<p>شاخص درآمد ناخالص ملی یا GNI شاخصی است که برای اندازه‌گیری درآمد یک ملت استفاده می‌شود. از این شاخص برای اندازه‌گیری ثروت یک کشور در هر سال استفاده می‌شود. GNI را می‌توان با افزودن درآمد حاصل از منابع خارجی به تولید ناخالص داخلی محاسبه کرد. این شاخص کل درآمدی که توسط مردم یک کشور (ملیت افراد در نظر گرفته می‌شود و محل جغرافیایی کسب این درآمد مدنظر نیست) و</p>

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		مشاغل موجود در آن کشور ایجاد می‌شود را نشان می‌دهد؛ سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز که به‌منظور توسعه کشور صورت می‌گیرد در این شاخص لحاظ می‌شود.
۳۴	شاخص رقابت‌پذیری جهانی (global competitiveness index)	<p>شاخص رقابت‌پذیری جهانی، گزارشی سالانه است که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود. این شاخص توانایی کشورها را برای تأمین سطح بالای رفاه برای شهروندان نشان می‌دهد. تأمین رفاه به میزان زیادی به میزان بهره‌وری یک کشور از منابع موجود بستگی دارد؛ بنابراین شاخص رقابت جهانی مجموعه نهادها، سیاست‌ها و عواملی را تأمین می‌کند که رونق اقتصادی را در زمان حال و میان‌مدت تأمین می‌کند. این شاخص از سال ۲۰۰۴ منتشر شده است و رتبه‌بندی کشورها را بر اساس رقابت‌پذیری جهانی نشان می‌دهد. شاخص رقابت‌پذیری جهانی از بیش از ۱۱۰ متغیر تشکیل شده است که حدود دوسوم آنها توسط نظرسنجی استخراج شده و یک‌سوم آنها از منابع عمومی مانند سازمان ملل استخراج می‌شوند. این گزارش نشان می‌دهد که با پیشرفت یک کشور، دستمزدها افزایش می‌یابند، در نتیجه لازم است تا بهره‌وری نیروی کار نیز افزایش یابد تا کشور بتواند رقابتی عمل کند. شاخص GCI کشورها را به سه بخش، عامل‌محور، کارآمد و نوآوری‌محور تقسیم می‌کند. این شاخص ۱۲ مورد زیر را برای بررسی رقابت‌پذیری کشورها در نظر می‌گیرد. ۱- مؤسسات ۲- زیرساخت‌های مناسب ۳- چارچوب اقتصاد کلان ۴- سلامتی و آموزش ابتدایی ۵- آموزش عالی ۶- کارآمدی بازار کالا ۷- کارآمدی بازار کار ۸- بازارهای مالی توسعه‌یافته ۹- قابلیت استفاده از فناوری موجود ۱۰- اندازه بازارهای داخلی و بین‌المللی ۱۱- تولید کالاهای جدید و متفاوت با استفاده از فرآیندهای پیچیده تولید ۱۲- نوآوری</p> <p>در مرحله عامل‌محور کشورها بر اساس نیروی کار ارزان و غیرماهر و همچنین منابع طبیعی به رقابت می‌پردازند. شرکت‌ها بر اساس قیمت کالاهای رقابت می‌کنند و محصولات اساسی و یا کالاهایی را می‌فروشند که بازده آنها در دستمزدهای پایین منعکس می‌شود. برای حفظ رقابت در این مرحله از توسعه رقابت عمده‌تاً به عملکرد خوب نهادهای دولتی و خصوصی، زیرساخت‌های مناسب، چارچوب پایدار اقتصاد کلان و بهداشت و آموزش ابتدایی بستگی دارد. همزمان با افزایش دستمزدها که با پیشرفت ایجادشده صورت می‌گیرد، کشورها به مرحله بهره‌وری از توسعه می‌رسند که در این مرحله باید فرآیند تولید، کارآمدتر باشد و محصول باکیفیت تولید کنند. در این مرحله رقابت به‌طور فزاینده‌ای توسط آموزش اولیه و آموزش عالی، کارآمدی بازار کالا، کارآمدی بازار کار، بازارهای مالی توسعه‌یافته، توانایی استفاده از فناوری‌های موجود و اندازه بازارهای داخلی و بین‌المللی تعیین می‌شود. سرانجام وقتی کشورها به مرحله مبتنی بر نوآوری می‌رسند تنها در صورتی می‌توانند به رقابت بپردازند و سطح زندگی را در سطح بالا حفظ کنند که کسب‌وکار آنها بتواند با ارائه محصولات جدید و منحصر به فرد رقابت کند. در این مرحله شرکت‌ها باید به تولید کالاهای جدید و متفاوت با استفاده از فرآیندهای پیچیده تولید بپردازند و با استفاده از نوآوری‌های جدید به رقابت بپردازند. بنابراین تأثیر هر زیرشاخص در رقابت در مراحل مختلف توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف متفاوت است. در محاسبه GCI به زیرشاخص‌ها بسته به درآمد سرانه کشور وزن‌های مختلف داده می‌شود. به‌عنوان مثال زیرشاخص‌های پیچیدگی و نوآوری ۱۰ درصد در نمره نهایی در اقتصاد عامل‌محور تأثیرگذار است؛ این در حالی است که در اقتصاد مبتنی بر نوآوری حدود ۳۰ درصد نقش دارد.</p>
۳۵	شاخص سیاره شاد (happy planet index)	<p>این شاخص به اندازه‌گیری رفاه پایدار برای همه افرادی که روی زمین زندگی می‌کنند می‌پردازد. شاخص HPI نشان می‌دهد که ملت‌ها در دستیابی به زندگی طولانی، شاد و پایدار چقدر خوب عمل می‌کنند. برخلاف اینکه کشورهای غربی معمولاً در سایر شاخص‌ها موفق عمل کرده‌اند، در این شاخص رتبه بالایی ندارند. در عوض چندین کشور در آمریکای لاتین، منطقه آسیا و اقیانوسیه با ایجاد امید به زندگی و رفاه بالا، با ردپای اکولوژیکی بسیار کوچک‌تر رتبه بالاتری دارند. این شاخص یک قطب‌نما برای راهنمایی کشورها فراهم می‌کند و نشان می‌دهد ایجاد یک زندگی خوب، بدون هزینه کردن زمین امکان‌پذیر است.</p>

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		این شاخص ۴ عنصر را با هم ترکیب می‌کند تا نشان دهد ساکنان کشورهای مختلف چگونه از منابع محیطی برای زندگی طولانی و شاد استفاده می‌کنند. ۱- سلامتی: بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از نظر سنجی گالوپ ساکنان هر کشور در زندگی، بر اساس مقیاس صفر تا ۱۰، چقدر از زندگی ابراز رضایت می‌کنند. ۲- امید به زندگی: متوسط زندگی فرد در هر کشور بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از سازمان ملل ۳- نابرابری: نابرابری بین افراد یک کشور بر اساس امید به زندگی و احساس خوشبختی که توسط مقدار رفاه بیان می‌شود. نتایج نابرابری به صورت درصد بیان می‌شود. ۴- ردپای اکولوژیکی: متوسط تأثیر هر فرد ساکن یک کشور بر محیط زیست. این زیر شاخص با استفاده از یک واحد استاندارد بیان می‌شود (هکتار جهانی برای هر نفر).
۳۶	شاخص فقر انسانی (human poverty index)	شاخص فقر انسانی HPI توسط سازمان ملل برای تکمیل شاخص توسعه انسانی تهیه شد و اولین بار به عنوان بخشی از گزارش محرومیت انسانی در سال ۱۹۹۷ گزارش شد. HPI به بررسی سه عنصر اساسی زندگی انسان که قبلاً نیز در HDI منعکس شده بود متمرکز است. طول عمر، دانش و سطح استاندارد زندگی. HPI به طور جداگانه برای کشورهای در حال توسعه (HPI-1) و گروهی از کشورهای منتخب با درآمد بالای OECD (HPI-2) مشتق شده است تا اختلافات اقتصادی-اجتماعی و اقدامات صورت گرفته برای رفع محرومیت را در هر دو گروه بهتر نمایش دهد.
۳۷	شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست (environmental vulnerability index)	شاخص آسیب‌پذیری محیط زیست EVI سنجشی است که توسط کمیسیون کاربردی علوم زمین، برنامه محیط زیست سازمان ملل و... طراحی شده است تا شدت نسبی انواع مختلف مسائل زیست‌محیطی را در ۲۴۳ کشور مورد ارزیابی قرار دهد. در مراحل ابتدایی این شاخص برای کشورهای کوچک در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفت. این ایده نظری در آن زمان توسط کمیسیون کاربردی علوم زمین در ۴ فوریه ۱۹۹۹ ارائه شد. در مرحله دوم این شاخص در ۵ کشور مختلف مورد آزمایش قرار گرفت. ۵۰ زیرشاخص این شاخص به بخش‌های زیر تقسیم‌بندی می‌شوند. ۱- تغییر اقلیم ۲- تنوع زیستی ۳- آب ۴- کشاورزی و شیلات ۵- جنبه‌های انسانی بهداشت ۶- بیابان‌زایی و قرار گرفتن در معرض بالای طبیعی.
۳۸	شاخص تحول برتلسمان (Bertelsmann Transformation Index)	شاخص تحول برتلسمان BTI معیاری برای نشان دادن وضعیت توسعه و فرآیندهای تحول سیاسی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان است. این شاخص از سال ۲۰۰۶ به صورت دو سال یک بار منتشر شده است که آخرین نسخه آن در سال ۲۰۱۸ با در نظر گرفتن ۱۲۹ کشور انتشار یافته است. این شاخص کیفیت اقدامات دولت را بر اساس موفقیت‌ها و عقب‌نشینی‌ها در مسیر دموکراسی و اقتصاد بازار مورد بررسی قرار می‌دهد. برای این منظور این شاخص به رتبه‌بندی دولت‌ها با توجه به وضعیت دولت‌ها در ویژگی‌های دموکراتیک و اقتصاد بازار و شاخص مدیریت در مدیریت سیاسی تصمیم‌گیرندگان می‌پردازد. این شاخص هر دو بعد تحولات سیاسی و اقتصادی را در نظر می‌گیرد. تحول سیاسی شامل ویژگی‌هایی چون نظم دموکراتیک لاست که برای رتبه‌بندی آن به بررسی مواردی چون حقوق مشارکت، حاکمیت قانون، ثبات نهادهای دموکراتیک و ادغام سیاسی و اجتماعی نهادها پرداخته می‌شود. تحولات اقتصادی علاوه بر خصوصیات کلاسیک اقتصاد بازار همچون عملکرد اقتصادی، تنظیم بازار و رقابت، ثبات ارز و حمایت از مالکیت خصوصی، مؤلفه‌های اجتماعی همچون سطح توسعه اجتماعی، نظم و پایداری محیط زیست را نیز در نظر می‌گیرد.
۳۹	شاخص شکنندگی سیاست خارجی (country indicator for foreign policy fragility index)	در اندازه‌گیری این شاخص به بررسی روندهای موجود در شکنندگی دولت در یک کشور پرداخته می‌شود. شاخص‌های تشکیل‌دهنده شامل ۶ بخش است: ۱- اقتصاد ۲- امنیت و جرم ۳- توسعه انسانی ۴- جمعیت‌شناسی ۵- حکمرانی ۶- محیط زیست سیاست‌گذاران و دانشگاهیان زیادی به بررسی ارتباط میان شکنندگی دولت‌ها، شکست دولت، فقر و تروریسم پرداخته‌اند که نشان می‌دهد عدم بهبود کشورهای شکننده می‌تواند هزینه‌های زیادی به همه

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		کشورها تحمیل کند. این نکته نشان دهنده نیاز به شناسایی علل شکنندگی دولت‌ها و ارائه چارچوبی است که بتواند سیاست‌گذاران توسعه را در محیط‌های شکننده درگیر کند تا به بهبود عملکرد آنها کمک کند.
۴۰	شاخص جهانی ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت (political stability and absence of violence index)	این شاخص به اندازه گیری ادراک مربوط به احتمال بی ثباتی سیاسی و یا خشونت با انگیزه‌های سیاسی از جمله تروریسم می‌پردازد. نمره کشورها در این شاخص بین دو مقدار $2/5+$ و $2/5-$ قرار می‌گیرد. این شاخص به صورت سالانه منتشر می‌شود و منبع تامین داده‌های این شاخص از داده‌های شاخص حکمرانی جهانی می‌باشد، اما تمرکز اصلی این شاخص بر بی ثباتی و خشونت است.
۴۱	گزارش سالانه شکنندگی OECD (OECD's annual state of fragility report)	شکنندگی یکی از تهدیدات بزرگی است که دستیابی به اهداف توسعه پایدار و حفظ صلح را با دشواری مواجه می‌کند. OECD شکنندگی را ترکیبی از قرار گرفتن در معرض خطر و داشتن ظرفیت کافی جوامع و دولت‌ها برای کاهش این خطرات توصیف می‌کند. شکنندگی دولت‌ها می‌تواند نتایج منفی زیادی به بار آورد که از جمله می‌توان به خشونت، فرورپاشی نهادها، آوارگی و... منجر شود. برای اندازه‌گیری این شاخص ۵ بعد اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی در نظر گرفته می‌شود. هر بعد از شکنندگی شامل ۸ تا ۱۲ زیرشاخص است.
۴۲	شاخص رفاه اقتصادی پایدار (the index of sustainable economic welfare)	شاخص رفاه اقتصادی پایدار (ISEW) یک شاخص اقتصادی است که برای جایگزینی تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. این شاخص به صورت زیر حساب می‌شود: $ISEW = \text{مصرف شخصی} + \text{هزینه‌های غیردفاعی عمومی} - \text{هزینه‌های دفاعی خصوصی} + \text{تشکیل سرمایه} + \text{خدمات نیروی کار داخلی} - \text{هزینه‌های تخریب محیط زیست} - \text{استهلاک طبیعی سرمایه}$ این شاخص برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ مطرح شد.
۴۳	شاخص توسعه جنسیتی (gender-related development index)	شاخص توسعه جنسیتی GDI، شاخصی است که برای سنجش برابری جنسیتی طراحی شده است. GDI که همراه با معیار توانمندسازی جنسیتی (GEM) در سال ۱۹۹۵ در گزارش توسعه انسانی منتشر شد، توسط سازمان ملل معرفی شده است. هدف از این اندازه‌گیری افزودن یک بعد حساس به جنسیت به شاخص توسعه انسانی بوده است. GDI نه تنها سطح متوسط رفاه و ثروت در یک کشور معین را اندازه می‌گیرد؛ بلکه بر چگونگی توزیع رفاه و ثروت بین گروه‌های مختلف جامعه تمرکز دارد. طبق بررسی‌های صورت گرفته، GDI فرض می‌کند زنان به‌طور متوسط ۵ سال بیشتر از مردان عمر می‌کنند. همچنین این شاخص شکاف درآمدی را با توجه به درآمد واقعی کسب‌شده مشخص می‌کند. کشورها از نظر برابری جنسیتی به ۵ گروه تقسیم می‌شوند. گروه یک کشورهایی را شامل می‌شود که بیشترین برابری جنسیتی را داشته و کشورهای گروه ۵ بیشترین شکاف جنسیتی را دارند.
۴۴	بررسی ارزش‌های جهانی (world values survey)	بررسی ارزش‌های جهانی یک برنامه تحقیقاتی بین‌المللی است که به مطالعه علمی و دانشگاهی ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی مردم در جهان اختصاص دارد. هدف از این پروژه بررسی این است که کدام ثبات یا تغییر در طول زمان بر رشد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورها تأثیرگذار است. دامنه گسترده جغرافیایی و موضوعی، در دسترس بودن رایگان داده‌های نظرسنجی و یافتن پروژه‌ها برای عموم مردم، WVS را به یکی از معتبرترین و پرکاربردترین نظرسنجی‌های بین‌المللی در علوم اجتماعی تبدیل کرده است. هدف کلی پروژه، تجزیه و تحلیل ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهای مردم است؛ برای دستیابی به این هدف، این پروژه طیف گسترده‌ای از موضوعات، شامل جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، اقتصاد، بهداشت عمومی، جمعیت‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و... را پوشش می‌دهد. همچنین WVS تنها مطالعه دانشگاهی است که دامنه کل تغییرات جهانی، از جوامع بسیار فقیر تا بسیار ثروتمند در تمام مناطق فرهنگی جهان را در نظر می‌گیرد.

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
۴۵	شاخص زندگی بهتر OECD (OECD better life index)	<p>شاخص زندگی بهتر OECD اولین بار در سال ۲۰۱۱ توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی ایجاد شد. توصیه‌های اولیه ارائه شده توسط کمیسیون پیشنهاددهنده این شاخص، سعی در رفع این نگرانی داشت که آمارهای اقتصاد کلان مانند تولید ناخالص داخلی نتوانسته گزارشی واقعی از رفاه مردم در زمان حال و آینده ارائه دهد. ابتکار شاخص زندگی بهتر OECD، شامل دو عنصر اصلی است. شاخص زندگی بهتر شما و اینکه زندگی چگونه است. شاخص BLI ابزاری تعاملی است که به افراد این امکان را می‌دهد که عملکرد کشورها را با توجه به ترجیحات خود از نظر آنچه باعث ایجاد زندگی بهتر می‌شود، مقایسه کنند. این شاخص ۱۱ بعد از رفاه را در نظر می‌گیرد. ۱- مسکن (شرایط و هزینه‌های مسکن) ۲- درآمد خانوار (درآمد خالص که پس از کسر مالیات و نقل و انتقالات باقی می‌ماند) ۳- شغل (درآمد، امنیت شغلی، بیکاری) ۴- جامعه (کیفیت شبکه پشتیبانی اجتماعی) ۵- آموزش ۶- محیط زیست (کیفیت محیط) ۷- حکمرانی ۸- سلامتی ۹- رضایت از زندگی (سطح خوشبختی) ۱۰- ایمنی (میزان قتل و کشتار) ۱۱- برقراری تعادل بین زندگی و کار.</p> <p>در برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته قرار است زیرشاخص‌های دیگری به این شاخص اضافه شود تا نقدهای موجود را پاسخگو باشد. یکی از نقدهایی که به این شاخص وارد است این است که قابلیت نمایش نابرابری در جامعه را ندارد. نسخه‌های بعدی این شاخص، با توجه به دستاوردهای رفاه گروه‌های خاص جمعیت (زنان، مردان، وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالا و پایین) برای در نظر گرفتن نابرابری‌ها برنامه‌ریزی شده است.</p>
۴۶	شاخص جامعه پایدار (sustainable society index)	<p>شاخص جامعه پایدار SSI سطح پایداری ۱۵۴ کشور ارزیابی شده را نشان می‌دهد. در این شاخص به روشی ساده فاصله تا پایداری کامل برای هر یک از ۲۱ زیرشاخص SSI اندازه گرفته می‌شود. این شاخص به بررسی نحوه عملکرد کشورها برای رسیدن به پایداری می‌پردازد. در این مسیر به بررسی اولویت‌های سیاسی کشورها برای رسیدن به پایداری، آموزش‌های موجود در هر کشور، تحقیقات و توسعه صورت گرفته در هر کشور و همچنین ارزیابی مخاطرات در مسیر شرکت‌های موجود در هر کشور می‌پردازد. این شاخص توسط بنیاد جامعه پایدار ایجاد شد تا ابزاری شفاف برای سنجش میزان پایداری جامعه به عموم مردم و سیاستمداران و مقامات ارائه دهد. همان‌طور که گفته شد این شاخص ۲۱ زیرشاخص را خود جای داده است که به ۷ دسته و ۳ بعد رفاه طبقه‌بندی می‌شوند. شاخص جامعه پایدار از معدود شاخص‌هایی است که هر سه بعد رفاه که شامل بعد اقتصادی، بعد انسانی و بعد زیست‌محیطی است را دارد.</p>
۴۷	شاخص اهداف توسعه پایدار (sustainable development goals index)	<p>شاخص اهداف توسعه پایدار (SDG) مجموعه‌ای از ۱۷ هدف جهانی به هم پیوسته است که به‌عنوان نقشه‌ای برای دستیابی به آینده بهتر و پایدارتر برای همه طراحی شده است. این اهداف در سال ۲۰۱۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تنظیم شده‌اند و قرار است این اهداف تا سال ۲۰۳۰ تحقق یابد. اهداف توسعه پایدار عبارتند از ۱- عدم فقر ۲- گرسنگی صفر ۳- سلامتی و رفاه ۴- آموزش باکیفیت ۵- برابری جنسیتی ۶- دسترسی به آب سالم و بهداشت ۷- انرژی مقرون به صرفه و پاک ۸- کار مناسب و رشد اقتصادی ۹- بهبود صنعت و زیرساخت‌ها و ایجاد نوآوری ۱۰- کاهش نابرابری ۱۱- شهرها و جوامع پایدار ۱۲- مصرف و تولید مسئولانه ۱۳- اقدامات اقلیمی ۱۴- حفظ زندگی در خشکی ۱۵- صلح، عدالت و نهادهای قوی ۱۶- مشارکت برای رسیدن به اهداف</p> <p>هر یک از اهداف شمرده شده ۸ تا ۱۲ زیر بخش دارد و هر کدام از زیربخش‌ها نیز ۱ تا ۴ شاخص دارد که برای اندازه‌گیری پیشرفت در رسیدن به اهداف استفاده می‌شود.</p>
۴۸	شاخص پس‌انداز واقعی (genuine savings index)	<p>پس‌انداز واقعی یک شاخص ساده است که محققان برای ارزیابی اقتصاد از آن استفاده می‌کنند. علاوه بر سیاست‌های پولی و مالی که اهرم‌های اساسی در تعیین مقدار پس‌انداز می‌باشند مواردی چون، داشتن</p>

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
		رانت، منابع موجود برای سرمایه‌گذاری عمومی، سیاست‌های تصدی منابع و هزینه‌های اجتماعی انتشار آلاینده‌ها در تعیین سطح کلی پس‌انداز تأثیرگذارند.
۴۹	ردپای اکولوژیکی (ecological footprint)	ردپای اکولوژیکی به سنجش تقاضای انسان از سرمایه طبیعی می‌پردازد. رد پا و ظرفیت زیستی را می‌توان در مقیاس فردی، منطقه‌ای ملی یا جهانی مقایسه کرد. رد پا و ظرفیت بیولوژیکی هر ساله با تغییر تعداد افراد تغییر می‌کند. مصرف هر فرد، بهره‌وری تولید و بهره‌وری از اکوسیستم در مقیاس جهانی نشان می‌دهد که میزان مصرف بشر در مقایسه با آنچه زمین می‌تواند تجدید کند بیشتر است. شبکه جهانی ارزیابی ردپای اکولوژیکی نشان می‌دهد، از سال ۲۰۱۴ بشر حدود ۱/۷ برابر سرعتی که زمین می‌تواند آن را تجدید کند، از سرمایه طبیعی استفاده کرده است. شاخص مطرح‌شده این امکان را برای مردم فراهم می‌کند تا میزان استفاده از منابع را در کل اقتصاد اندازه‌گیری و مدیریت کنند. این شاخص را می‌توان در هر مقیاسی محاسبه کرد: برای یک فعالیت، یک شخص، یک جامعه، یک شهر، یک منطقه، یک ملت یا کل بشریت. مقادیر این اثر، با توجه به موارد زیر تعیین می‌شود: سطح کربن، غذا، مسکن، مقدار کالاها و خدمات.
۵۰	شاخص پایداری محیط زیست (environmental sustainability index)	شاخص پایداری محیط زیست (ESI)، معیاری است که پیشرفت کلی در جهت پایداری محیط زیست را نشان می‌دهد. این شاخص یک شاخص ترکیبی است که مجموعه‌ای از شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سازمانی را ارزیابی می‌کند مشخص‌کننده ویژگی‌های پایداری در سطح ملی هستند. برای پایداری محیط زیست جامعه نه تنها باید سطح آلودگی را محدود کند بلکه باید بهره‌وری زیست‌محیطی جامعه را نیز بهبود بخشد.
۵۱	شاخص فقر چند بعدی (multidimensional poverty index)	شاخص فقر چندبعدی از طیف وسیعی از شاخص‌ها برای محاسبه فقر برای یک جمعیت خاص استفاده می‌کند. هرچه رقم این شاخص بزرگ‌تر باشد به معنای فقر بیشتر است. شاخص جهانی فقر چندبعدی (MPI) در سال ۲۰۱۰ ابداع شد و از شاخص‌های بهداشت و سلامتی، آموزش و استاندارد زندگی برای تعیین میزان و شدت فقر استفاده می‌کند. برای اندازه‌گیری شاخص بهداشت و سلامتی دو زیرشاخص، مرگ‌ومیر کودکان و تغذیه اندازه گرفته می‌شود. برای اندازه‌گیری شاخص آموزش به بررسی دو زیرشاخص، سال‌های تحصیل و میزان حضور در مدرسه پرداخته می‌شود؛ برای مشخص کردن استاندارد زندگی، زیرشاخص‌های سوخت استفاده‌شده برای پخت‌وپز، امکان استفاده از سرویس بهداشتی مناسب، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، دسترسی به برق، داشتن مسکن، داشتن امکانات اولیه زندگی مانند تلفن، تلویزیون، یخچال، ماشین و... در نظر گرفته می‌شود. افرادی که حداقل در یک سوم از این شاخص‌ها محرومیت را تجربه می‌کنند در گروه فقیر چندبعدی قرار می‌گیرند.
۵۲	سیاست‌های کشور و ارزیابی‌های نهادی (country policy and institutional assessments)	این شاخص سالانه توسط بانک جهانی به منظور رتبه‌بندی کشورها برای استفاده مؤثر از کمک‌های موجود استفاده می‌شود. CPIA دارای ۱۶ زیرشاخص است که کشورها را در ۴ خوشه دارای وزن یکسان قرار می‌دهد. این ۴ خوشه عبارتند از: ۱- مدیریت اقتصادی ۲- سیاست‌های ساختاری ۳- سیاست‌های اجتماعی و برابری اجتماعی ۴- نحوه مدیریت و عملکرد بخش دولتی. برای هر یک از ۱۶ زیرشاخص، کشورها بر اساس نمره ۱ تا ۶ رتبه‌بندی می‌شوند.
۵۳	رفاه اقتصادی پایدار (sustainable economic welfare)	شاخص رفاه اقتصادی پایدار (ISEW) یک شاخص اقتصادی است که برای جایگزینی تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. این شاخص تولید ناخالص داخلی، کار خانگی که هزینه آن پرداخت نشده، هزینه‌های اجتماعی، آسیب‌های زیست‌محیطی و توزیع درآمد را در نظر می‌گیرد. علت اینکه این شاخص جایگزینی برای تولید ناخالص داخلی شد این است که در دهه ۱۹۸۰ اگرچه تولید ناخالص داخلی در حال افزایش بود؛ اما رفاه اقتصادی پایدار با رکود مواجه بود که علت آن افزایش نابرابری درآمدی و کاهش پرداختی صورت‌گرفته به شغل‌های خانگی بوده است.

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
۵۴	the headcount index	این شاخص میزان جمعیت زیر خط فقر را اندازه می‌گیرد. این شاخص تنها درصد جمعیت زیر آستانه فقر را اندازه می‌گیرد اما درباره عمق فقر و اینکه فقری هر کشور چه اندازه فقیر هستند یا سالیانه چقدر فقیرتر می‌شوند چیزی نمی‌گوید...
۵۶	تعهد به توسعه (commitment to development)	شاخص تعهد به توسعه CDI سالانه توسط مرکز توسعه جهانی منتشر می‌شود. این شاخص ثروتمندترین کشورهای جهان را در زمینه تعهد به سیاست‌هایی که به سود ۵ میلیارد نفری است که، در کشورهای فقیر زندگی می‌کنند رتبه‌بندی می‌کند. CDI کشورها را بر اساس تلاش‌های صورت گرفته در ۷ حوزه رتبه‌بندی می‌کند. ۱- میزان کمک‌های خارجی صورت گرفته ۲- تجارت ۳- سرمایه‌گذاری ۴- مهاجرت ۵- محیط زیست ۶- امنیت ۷- فناوری. در محاسبه این شاخص ۲۷ کشور وجود دارند که ثروتمندترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان هستند؛ این شاخص داده‌های خود را از منابع رسمی مانند بانک جهانی، سازمان توسعه و همکاری سازمان ملل متحد و همچنین محققان دانشگاهی تهیه می‌کند.
۵۷	شاخص دولت باز (open government index)	شاخص حاکمیت قانون WJP، دولت آزاد را دولتی تعریف می‌کند که ۱- اطلاعات را به اشتراک می‌گذارد ۲- امکان مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد ۳- به مردم این امکان داده می‌شود که دولت را مسئول بدانند. در این شاخص به بررسی میزان بازبودن دولت از طریق ۴ بعد زیر پرداخته می‌شود. ۱- قوانین دولتی (این بعد از شاخص به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا قوانین اساسی و اطلاعات مربوط به حقوق قانونی در دسترس عموم است. همچنین کیفیت و دسترسی به اطلاعات منتشر شده توسط دولت را اندازه‌گیری می‌کند و اینکه آیا مقررات اداری و پیش نویس قوانین به موقع در دسترس مردم قرار می‌گیرد) ۲- دسترسی به اطلاعات (این بعد به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا مردم می‌توانند اطلاعات دولتی را بدون پرداخت رشوه در یافت کنند و یا از حق خود در زمینه اطلاع‌رسانی آگاهی دارند) ۳- میزان مشارکت‌های مدنی (این بعد میزان حمایت از آزادی عقیده و بیان را اندازه‌گیری می‌کند) و ۴- مکانیزم‌های شکایت (این بعد این موضوع را می‌سنجد که آیا افراد می‌توانند شکایتی را از ارائه خدمات عمومی یا عملکرد مأموران دولتی در انجام وظایف قانونی خود به دولت ارائه دهند یا خیر و همچنین به بررسی نحوه پاسخگویی مقامات دولتی به این شکایات می‌پردازد. هریک از این ابعاد از چندین مؤلفه تشکیل شده است که جنبه‌های مختلف هر مفهوم را می‌گیرد.
۵۸	شاخص پیشرفت واقعی (genuine progress index)	شاخص پیشرفت واقعی GPI معیاری است که تکمیل‌کننده شاخص تولید ناخالص داخلی است. این شاخص با در نظر گرفتن ابعاد بیشتری از رفاه مانند عوامل محیطی و اجتماعی در کنار تولید ناخالص داخلی باعث ارتقای این شاخص شده است. در این شاخص نتایج مثبت و منفی رشد اقتصادی در نظر گرفته شده و در نتیجه مشخص می‌شود رشد صورت گرفته در کل به نفع یا زیان مردم بوده است. در این شاخص تأثیرات زیست‌محیطی (هزینه‌هایی که کل جامعه برای کنترل آلودگی متحمل می‌شود)، هزینه‌های اجتماعی تولید و مصرف اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. رابطه بین GDP و GPI به صورت زیر می‌باشد: GPI = تولید ناخالص داخلی - هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی
۵۹	شاخص رفاه کانادایی canadian index of wellbeing	شاخص رفاه کانادایی یک شاخص ترکیبی است که از ۸ حوزه به هم پیوسته تشکیل شده است که ثبات و تغییر در رفاه را در طول زمان اندازه‌گیری می‌کند. CIW وضعیت رفاه را این گونه تعریف می‌کند: وجود بالاترین کیفیت ممکن در زندگی در همه زمینه‌ها. نشاط جامعه، بالابودن استانداردهای زندگی، سلامتی، محیط پایدار، جمعیت تحصیل‌کرده، استفاده متعادل از زمان، سطح بالایی از مشارکت دموکراتیک، دسترسی و مشارکت در اوقات فراغت و فرهنگ. با نظارت بر شاخص‌های عینی و ذهنی رفاه، هم سیاست‌گذاران و هم عموم مردم می‌توانند از تغییرات اجتماعی مهم برای ارتقا سطح رفاه شهروندان حمایت کنند.

ردیف	عنوان شاخص	توضیح
۶۰	شاخص جهانی گرسنگی (global hunger index)	شاخص جهانی گرسنگی GHI شاخصی است که برای سنجش گرسنگی در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی طراحی شده است. این شاخص هر ساله برای ارزیابی پیشرفت و شکست در مبارزه با گرسنگی محاسبه می‌شود. نمره مربوط به شاخص GHI توسط یک فرآیند سه‌مرحله‌ای استخراج می‌شود که با استفاده از داده‌های موجود از منابع مختلف به دست می‌آید. ابتدا برای هر کشور مقادیر ۴ شاخص زیر به دست می‌آید. ۱- کمبود غذا (سهام جمعیتی که سوءتغذیه دارند؛ یعنی کالری دریافتی آنها کافی نیست) ۲- کودکان دچار فقر غذایی (سهام کودکان زیر ۵ سال که نسبت به قد خود وزن کمی دارند و دچار سوءتغذیه حاد می‌باشند) ۳- شاخص کودک از رشد بازمانده (سهام کودکان زیر ۵ سال که رشد کمی دارند؛ یعنی نسبت به سن خود قد کوتاهی دارند که نشان‌دهنده سوءتغذیه مزمن است. ۴- مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال (که نشان‌دهنده ترکیبی از تغذیه نامناسب و محیط ناسالم است). در مرحله بعد به هریک از ۴ شاخص موجود، بر اساس مقیاس استاندارد شده ۱۰۰، نمره‌ای داده می‌شود. در مرحله سوم این نمرات استاندارد شده برای هر کشور با وزن برابر جمع می‌شوند. در انتها نمره کسب شده برای این شاخص بین صفر تا ۱۰۰ است که نمره صفر بهترین نمره (کشور بدون گرسنگی) و نمره ۱۰۰ بدترین نمره است.

برای هر یک از شاخص‌های فوق، تعریف، نهاد محاسبه‌کننده، روش محاسبه، زیر شاخص‌ها، تعداد کشورهای مورد بررسی و سایر ویژگی‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در یک جدول موجود است و در پیوست گزارش ارائه می‌شود. این جدول مبنای انتخاب شاخص‌ها بر مبنای معیارهای بیان شده است.

۶- روش انتخاب کشورهای مورد مقایسه با ایران

هرچند پس از جمع شاخص‌های منتخب، رتبه ایران در توسعه به صورت کلی نمایش داده و ابعاد توسعه و جایگاه ایران در هریک از این ابعاد با بهترین کشور و بدترین کشور دنیا مقایسه شده بود و یا تحلیل‌های دیگری به صورت آماری برای این مقایسه با میانگین کشورهای نفتی و کشورهای نوظهور صورت گرفت، اما برای درک بهتر جایگاه و وضعیت توسعه ایران، مناسب دیده شد که وضعیت ایران در همه ابعاد توسعه به صورت تجمعی نیز با چند کشور منتخب که از برخی لحاظ با ایران مشابهت‌هایی داشته‌اند مقایسه شود. این همسنجی می‌تواند اطلاعاتی را آشکار کند که با به‌کارگیری آنها و مقایسه سرعت توسعه ایران با آن کشورها می‌توان خروجی‌های تحلیلی استخراج کرد.

در گزارش، ایران با میانگین کشورهای اوپک مقایسه می‌شود که اهمیت این مقایسه در عامل نفت به‌عنوان ذخیره قابل توجه این کشورها و همین‌طور منبع درآمد آنها بوده است. اما برای مقایسه کشوری نیاز به انتخاب معیارهای شباهت با ایران داشتیم. معیارهای بسیار متعددی می‌توان مطرح کرد که هر کشوری در یک یا چند مورد از آنها با ایران شباهت داشت، اما کشوری باید انتخاب شود که از همه آنها بیشترین شباهت را از منظر بستر و مبادی توسعه ایجاد کند و همچنین مقایسه آن معنادار باشد. به‌عنوان مثال شباهت در منطقه جغرافیایی، آب و هوا، ساختار جمعیتی و بزرگی جمعیت کشور، بزرگی اقتصاد، درآمد سرانه کشور مربوطه، ساختار نفتی و اندازه دولت، ساختار سیاسی و نظام نهادی کشور، بروز جنگ و یا انقلاب در کشور و... معیارهایی بودند که می‌توانستند مقایسه را معنادار کنند.

در ادامه با مقایسه‌های انجام‌شده بین ایران و کشورهای دیگر در ابعاد مختلف جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در نهایت ۴ کشور گزینش شده‌اند. این کشورها هر کدام در ابعاد مختلف مانند نرخ جمعیت و ساختار جمعیت، دین اکثریت شهروندان، و معیارهای اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه با ایران شباهت دارند. هدف از این مقایسه‌ها ایجاد تصویر دقیق‌تر از وضعیت پیشرفت ایران در ابعاد مختلف توسعه است. البته مقایسه با کشورهای دیگر و واکاوی ابعاد پیشرفت و پسرفت آنها در شاخص‌های مختلف توسعه با در نظر گرفتن عملکرد کلی این کشورها در مسیر توسعه نیز، می‌تواند درس‌آموخته‌هایی برای ایران به همراه داشته باشد.

سال مبنا برای مقایسه‌ها با در نظر گرفتن ملاک نزدیکی وضعیت ایران به این کشورها در طول ۶۰ سال گذشته بوده است. البته در دسترس بودن داده‌ها و معنادار بودن حداکثری این مقایسه هم در انتخاب سال مقایسه و فاکتور مقایسه نقش داشته‌اند.^۱

۱- ترکیه

کشور ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ای، و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فرهنگی (بُعد دینی) بیشترین شباهت را به کشور ترکیه دارد. همچنین با در نظر گرفتن عملکرد اقتصادی این دو کشور از اوایل دهه ۹۰ میلادی، نزدیکی زیادی در نرخ تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه این دو کشور وجود دارد که البته پس از آن در طول سه دهه با پیشی گرفتن ترکیه از ایران، این دو از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. در کنار شباهت پیشینی که این دو کشور در بُعد اقتصادی با هم داشته‌اند در حال حاضر با در نظر گرفتن امید به زندگی به‌عنوان یکی از برون‌داده‌های توسعه انسانی نیز این دو به یکدیگر نزدیک هستند.

ایران و ترکیه در منطقه خاورمیانه قرار گرفته‌اند و بر اساس آمار سال ۲۰۲۰ کمتر از ۴۰۰ هزار نفر با هم اختلاف جمعیت دارند. جمعیت ترکیه در سال ۲۰۲۰ معادل ۸۴۳۳۹۰۶۷ نفر و جمعیت ایران معادل ۸۳۹۹۲۹۴۹ نفر است. این دو همچنین به لحاظ ساختار جمعیت شباهت زیادی به هم دارند. آمار زیر متعلق به ساختار جمعیتی این دو در سال ۲۰۱۸ است.

جمعیت ۱۴-۰ سال: ترکیه ۲۶/۲۴ درصد - ایران ۲۳/۲۴ درصد

جمعیت ۲۴-۱۵ سال: ترکیه ۱۵/۸۸ درصد - ایران ۱۴/۰۵ درصد

جمعیت ۵۴-۲۵ سال: ترکیه ۴۳/۲۶ درصد - ایران ۴۸/۸۶ درصد

جمعیت ۵۵ تا ۶۴ سال: ترکیه ۸/۸۲ درصد - ایران ۷/۳۹ درصد

جمعیت ۶۵ سال به بالا: ترکیه ۷/۷۹ درصد - ایران ۵/۴۸ درصد

۱. داده‌های این بخش از منابع زیر گرفته شده است:

www.worldometers.info وابسته به سازمان ملل متحد.

www.theglobaleconomy.com وابسته به بانک جهانی.

www.indexmundi.com

میان‌ه سنی جمعیت: ترکیه ۳۱/۴ سال - ایران ۳۰/۸ سال

نکته قابل توجه این است که ایران و ترکیه در سال ۱۹۹۰ هم به لحاظ جمعیتی شبیه به هم بوده‌اند. جمعیت ترکیه در این سال معادل ۵۳۹۲۱۷۶۰ نفر و جمعیت ایران معادل ۵۶۳۶۶۲۱۷ نفر بوده‌است. یعنی این دو کشور در طول این سه دهه با رشد جمعیتی نسبتاً یکسانی پیش رفته‌اند که این امر در مقایسه وضعیت تولید ناخالص داخلی آنها حائز اهمیت است.

همین‌طور به لحاظ توزیع جمعیت برحسب گروه‌های دینی، جمعیت مسلمان ترکیه ۹۹/۸ درصد از کل جمعیت این کشور، و جمعیت مسلمان ایران ۹۹/۴ درصد از کل جمعیت این کشور را شامل می‌شود.

با در نظر گرفتن «امید به زندگی در بدو تولد» به عنوان یکی از معیارهای توسعه انسانی، می‌توان از این جنبه به مقایسه دو کشور پرداخت. امید به زندگی در ترکیه در سال ۲۰۲۰ برابر با ۷۸/۴۵ سال و در ایران برابر با ۷۷/۷۳۳ سال است.

علاوه بر ویژگی‌های منطقه‌ای، جمعیت‌شناختی، دینی، و توسعه انسانی مشترک بین دو کشور ایران و ترکیه، این دو به لحاظ سیر تاریخی عملکرد اقتصادی‌شان نیز قابل مقایسه هستند. در سال ۱۹۹۰ تولید ناخالص داخلی برای ترکیه معادل ۱۵۰ میلیارد دلار و برای ایران معادل ۱۲۴ میلیارد دلار بوده است. این رقم در سال ۲۰۱۷ برای ترکیه به ۸۵۲ میلیارد دلار و برای ایران به ۴۵۴ میلیارد دلار رسیده است. یعنی در طول ۲۷ سال تولید ناخالص داخلی برای ترکیه ۴۶۸ درصد و برای ایران ۲۶۶ درصد رشد داشته است (برحسب قیمت دلار در همان سال).

در سال ۱۹۹۱ تولید ناخالص داخلی سرانه ترکیه (برحسب برابری قدرت خرید) معادل با ۱۱۲۸۹ دلار و برای ایران ۱۲۴۸۰ دلار بوده است.^۱ در سال ۲۰۱۷ ترکیه این مقدار را به ۲۵۰۳۰ دلار و ایران به ۱۹۰۹۷ دلار رسانده است. یعنی در طول ۲۶ سال تولید ناخالص داخلی سرانه برای ترکیه ۱۲۱ درصد و برای ایران ۵۳ درصد افزایش داشته است (برحسب قیمت پایه دلار در سال ۲۰۱۱).

در سال ۱۹۹۰ تولید ناخالص داخلی سرانه برای ترکیه معادل ۲۷۹۴ دلار و برای ایران ۲۲۱۴ دلار بوده است. این مقدار در سال ۲۰۱۷ برای ترکیه به ۱۰۵۱۳ و برای ایران به ۵۶۲۷ دلار افزایش یافته است. یعنی در طول ۲۷ سال تولید ناخالص داخلی سرانه برای ترکیه ۲۷۶ درصد و برای ایران ۱۵۴ درصد افزایش داشته است (برحسب قیمت دلار در همان سال).

۲- کره جنوبی

کره جنوبی به لحاظ جمعیتی کوچک‌تر از ایران است و با در نظر گرفتن معیارهای توسعه انسانی و رشد اقتصادی در حال حاضر با فاصله زیاد بالاتر از ایران قرار گرفته است. جمعیت کره جنوبی در سال ۲۰۲۰ برابر با ۵۱۲۶۹۱۸۵ نفر است. امید به زندگی ۸۳/۵۰ سال و میان‌ه سنی جمعیت این کشور ۴۳/۷ سال است. با این حال، با در نظر گرفتن سال ۱۹۹۰ به عنوان سال پایه، این دو کشور به لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه (برحسب برابری قدرت خرید) کاملاً شبیه و قابل مقایسه هستند. البته پس از گذشت حدود سه

۱. جهت تسهیل خوانش، بخش اعشار ارقام حذف شده‌اند.

دهه رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در کره جنوبی سه برابر ایران بوده است. در سال ۱۹۹۰ میزان تورم کره جنوبی ۰/۱ درصد بیشتر از تورم ایران بوده است اما در سال ۲۰۱۷ این نرخ را به کمتر از ۲ درصد رسانده است.

در سال ۱۹۹۰ تولید ناخالص داخلی برای کره جنوبی معادل ۲۷۹ میلیارد دلار و برای ایران معادل ۱۲۴ میلیارد دلار بوده است. این رقم در سال ۲۰۱۷ برای کره جنوبی به ۱۵۳۰ میلیارد دلار و برای ایران به ۴۵۴ میلیارد دلار رسیده است. یعنی در طول ۲۷ سال تولید ناخالص داخلی برای کره جنوبی ۴۴۸ درصد و برای ایران ۲۶۶ درصد رشد داشته است **(برحسب قیمت دلار در همان سال)**.

در سال ۱۹۹۰ تولید ناخالص داخلی سرانه (برحسب برابری قدرت خرید) برای کره جنوبی معادل ۱۱۶۳۲ دلار و برای ایران معادل با ۱۱۳۶۴ دلار بوده است. در سال ۲۰۱۷ کره جنوبی این رقم را به ۳۵۹۳۸ دلار و ایران به ۱۹۰۹۷ دلار رسانده است، یعنی در طول ۲۷ سال تولید ناخالص داخلی سرانه برای کره جنوبی ۲۰۸ درصد و برای ایران ۶۸ درصد رشد داشته است **(برحسب قیمت پایه دلار در سال ۲۰۱۱)**

در سال ۱۹۸۷ تولید ناخالص داخلی سرانه برای کره جنوبی معادل ۳۵۱۰ دلار و برای ایران ۲۶۱۷ دلار بوده است. این مقدار در سال ۲۰۱۷ برای کره جنوبی به ۲۹۸۰۳ دلار و برای ایران به ۵۶۲۷ دلار رسیده است. یعنی در طول ۳۰ سال تولید ناخالص داخلی سرانه برای کره جنوبی ۷۴۹ درصد و برای ایران ۱۱۵ درصد افزایش داشته است **(برحسب قیمت دلار در همان سال)**.

در حالی که نرخ تورم در سال ۱۹۹۰ برای کره جنوبی معادل ۶/۸ درصد و برای ایران معادل ۶/۷ درصد بوده است این مقدار در سال ۲۰۱۷ برای کره جنوبی به ۱/۹ درصد و برای ایران به ۱۰ درصد رسیده است (طبق گزارش منابع رسمی در ایران).

۳- سنگاپور

سنگاپور در مقایسه با ایران کشور بسیار کوچکی است. جمعیت این کشور در سال ۲۰۲۰ برابر با ۵۸۵۰۳۴۲ نفر است. سنگاپور در طی چهار دهه گذشته پیشرفت چشمگیری در رشد اقتصادی و کیفیت زندگی شهروندانش داشته است و به لحاظ ویژگی‌های توسعه انسانی جایگاه قابل توجهی دارد. اگرچه ۴ دهه پیش تولید ناخالص داخلی سرانه این کشور با ایران تقریباً برابر بوده اما سنگاپور این رقم را طبق گزارش‌های اخیر بیش از ۲۰۰۰ درصد افزایش داده است. امید به زندگی در سنگاپور ۸۴/۷۰ سال و میانگین سنی جمعیت این کشور ۴۲/۲ سال است.

در سال ۱۹۷۹ تولید ناخالص داخلی ایران ۱۰ برابر سنگاپور بوده است. این مقدار برای سنگاپور معادل ۹ میلیارد دلار و برای ایران معادل ۹۰ میلیارد دلار بوده است. تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ برای سنگاپور به ۳۳۸ میلیارد دلار و برای ایران به ۴۵۴ میلیارد دلار رسیده است. یعنی در طول ۳۸ سال، تولید ناخالص داخلی برای سنگاپور ۳۶۵۵ درصد و برای ایران ۴۰۴ درصد رشد داشته است **(برحسب قیمت دلار در همان سال)**

در سال ۱۹۷۷ تولید ناخالص داخلی سرانه برای سنگاپور معادل ۲۸۴۶ دلار و برای ایران با اختلاف جزئی معادل ۲۳۱۵ دلار بوده است. در سال ۲۰۱۷ برای سنگاپور این مقدار به ۶۰۲۹۷ دلار و برای ایران به ۵۶۲۷ دلار رسیده است. یعنی در طول ۴۰ سال تولید ناخالص داخلی سرانه برای سنگاپور ۲۰۱۸ درصد و برای ایران ۹۷ درصد افزایش داشته است (برحسب قیمت دلار در همان سال).

۴- چین

چین به لحاظ جمعیتی و اقتصادی از ایران بسیار بزرگتر است. جمعیت چین در سال ۲۰۲۰ برابر با ۱۴۳۹۳۲۳۷۷۶ نفر است. امید به زندگی ۷۷/۴۷ سال و میانه سنی جمعیت این کشور ۳۸/۴ سال است. در سال ۱۹۹۰ تولید ناخالص داخلی چین ۳ برابر ایران بوده و در عین حال تولید ناخالص داخلی سرانه ایران حدود ۳ برابر چین بوده است. در طول سه دهه اخیر چین رشد شگفت‌انگیزی داشته است، به طوری که تولید ناخالص داخلی اش بیش از ۳۰۰۰ درصد و تولید ناخالص داخلی سرانه اش بیش از ۲۰۰۰ درصد افزایش یافته است.

در سال ۱۹۹۰ تولید ناخالص داخلی برای چین معادل ۳۶۰ میلیارد دلار و برای ایران معادل ۱۲۴ میلیارد دلار بوده است. این رقم در سال ۲۰۱۷ برای چین به ۱۲۱۴۳ میلیارد دلار و برای ایران به ۴۵۴ میلیارد دلار رسیده است. یعنی در طول ۲۷ سال تولید ناخالص داخلی برای چین ۳۲۷۳ درصد و برای ایران ۲۶۶ درصد رشد داشته است (برحسب قیمت دلار در همان سال).

در سال ۱۹۹۳ تولید ناخالص داخلی سرانه برای چین معادل ۳۷۷ دلار و برای ایران معادل ۱۰۶۷ دلار بوده است. این مقدار در سال ۲۰۱۷ برای چین به ۸۷۵۹ دلار و برای ایران به ۵۶۲۷ دلار رسیده است. یعنی در طول ۲۴ سال تولید ناخالص داخلی سرانه برای چین ۲۲۲۳ درصد و برای ایران ۴۲۷ درصد افزایش داشته است (برحسب قیمت دلار در همان سال).

۷- روش توسعه در یک نگاه

در بخش توسعه در یک نگاه، کلان شاخص‌های توسعه و همچنین زیرشاخص‌های آنها به صورت تجمیعی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند و اعداد و مفاهیم جدیدی خلق شده است که می‌تواند نمایشگری قابل قبولی را از وضعیت توسعه ایران داشته باشند. به عنوان مثال همه شاخص‌ها تجمیع شدند و یک عدد به دست آمده است که به عنوان فراشاخص توسعه نامگذاری شده است و نمره کلی ایران در همه ابعاد و شاخص‌های توسعه را شامل می‌شود. همچنین مفهوم جدیدی به نام نردبان توسعه ایجاد شده که کمی با فراشاخص توسعه متفاوت است. نقشه توسعه و سایر تحلیل‌های انجام شده بر روی داده‌ها جهت نمایشگری بهتر در این بخش توضیح داده می‌شود تا بتوان در مراحل بعد اشکالات آن را شناسایی کرد و در جهت تکمیل، ارتقا و یا اجرای ایده‌های جدید گام برداشت.

۷-۱- روش شناسی تجمیع شاخص‌ها و فراشاخص توسعه

سؤالی که مطرح شد این است که وضعیت ایران در هریک از شاخص‌های توسعه به صورت مجزا نمایش داده شده و رتبه ایران نیز در بین کشورهای جهان مشخص شده است، که در برخی از آنها ایران وضعیت نسبتاً مناسبی داشته و در برخی دیگر وضعیت

بسیار نامناسبی دارد. اگر بخواهیم یک ارزیابی از وضعیت توسعه ایران داشته باشیم که تجمیعی از همه ابعاد توسعه باشد، چگونگی می توان آن را نمایش داد؟ برای این منظور لازم است که همه شاخص ها به صورت تجمیع شده و در یک عدد نمایش داده شوند. عنوانی که برای این عدد در نظر گرفته شد، «فراشاخص توسعه» است. اولین مشکلی که با آن مواجه شدیم این بود که مبنای عددی و دامنه هریک از شاخص ها متفاوت از دیگری است. یعنی نمره برخی از شاخص ها بین صفر تا ۱۰۰ و نمره دیگر شاخص ها بین صفر تا ۵ محاسبه شده است. حتی برخی دامنه مثبت و منفی دارند، به عنوان مثال نمره شاخص حکمرانی جهانی بین ۲/۵- تا ۲/۵+ لحاظ شده است. برای تجمیع شاخص ها اولین گام این بود که بتوانیم آنها را استاندارد کرده و دامنه نوسانی آنها را یکسان کنیم تا قابل جمع شوند. برای این امر دامنه بین صفر تا ۱۰۰ انتخاب شد و همه شاخص ها بین این دامنه استاندارد شدند. دومین مسئله ای که با آن روبرو بودیم این بود که برخی از شاخص ها مثبت و برخی منفی بودند. شاخص مثبت یعنی اگر عدد شاخص بیشتر می شد وضعیت بدتری را نمایش می دهد. بنابراین تجمیع دو شاخص مثبت و منفی منطقی نبود. برای این منظور شاخص هایی که جنبه منفی داشتند نیز عکس و مجدداً نمره آنها بین صفر تا ۱۰۰ محاسبه شد. در نهایت نمرات استاندارد شده و همسوس شده شاخص های مختلف را می توان تجمیع کرد.

حال سؤال این است که هریک از شاخص ها چه وزنی در فراشاخص داشته باشد. اولین و ساده ترین روش محاسبه فراشاخص، ترکیب هم وزن بین شاخص هاست که نشان می دهد همه آنها به یک اندازه اهمیت دارند. شاخص هم وزن محاسبه و به عنوان فراشاخص توسعه ایران معرفی شد. اما با توجه به اینکه کلان شاخص های استفاده شده در گزارش توسعه ملی همه در نمایشگری مفهوم توسعه وزن برابری نداشتند و برخی دارای زیرشاخص ها و ابعاد بیشتری بودند و برخی کمتر، لذا بهتر بود که وزن کلان شاخص ها در محاسبه فراشاخص یکسان در نظر گرفته نشوند. بنابراین با این معیار که هریک از کلان شاخص های مورد استفاده در محاسبه فراشاخص چه سهمی از مفهوم توسعه را نمایش می دهند، کار نمره دهی و وزن دهی انجام شد. روش این نمره دهی هم این بود که یک نفر از هر رشته (اقتصاد، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و فرهنگی) انتخاب شدند و نمره دهی صورت گرفت و در نهایت میانگین وزن های آنها مورد استفاده قرار گرفت.

این شاخص به عنوان فراشاخص وزنی مورد استفاده قرار گرفت، و در گزارش هم قرار گرفت. اما با توجه به اینکه بین فراشاخص توسعه هم وزن و فراشاخص وزنی تفاوت قابل ملاحظه ای وجود نداشت و رتبه ایران هم تقریباً مشابه شده بود و همچنین بهترین و بدترین کشورها نیز ثابت باقی مانده بودند، تغییری در تحلیل ها ایجاد نمی کرد و بنابراین یک تحلیل دو بار هم برای شاخص هم وزن و هم برای شاخص وزنی تکرار می شد. از این رو در جلسات تیم علمی پروژه تصمیم نهایی بر این شد که برای سادگی تنها از شاخص هم وزن استفاده شود.

۷-۲- روش شناسی نردبان توسعه

تا به اینجا فراشاخص توسعه مشخص شده است و در یک نمره می توان وضعیت کلی ایران را نمایش داد. اما مسئله این بود که باز نحوه محاسبه همه شاخص ها حتی بعد از استاندارد سازی یکسان نبود. به این معنا که برخی از شاخص ها سخت گیرانه نمره دهی

کرده بودند و بیشتر کشورها نمره‌ای نزدیک به صفر نمره دریافت کرده بودند و برخی دیگر از شاخص‌ها سهل‌گیرانه نمره داده بودند و نمره بیشتر کشورها نزدیک به ۱۰۰ شده بود. این بدان معناست که آن شاخص‌هایی که با روش سهل‌گیرانه نمره‌دهی کرده‌اند به صورت خودکار وزن بیشتری پیدا کرده بودند و همچنین مشخص نمی‌شد که به‌عنوان مثال نمره ۷۰ برای شاخص آیا نمره خوبی به حساب می‌آید یا خیر. برای اینکه این مسئله نیز برطرف شود لازم بود که شاخص‌ها یک مرحله دیگر استاندارد شوند.

برای این منظور مفهومی با عنوان «نردبان توسعه» توسط تیم علمی خلق شد که در آن در هر یک از شاخص‌ها یک آرمان‌شهر و یک ویران‌شهر توسعه ترسیم می‌شود. کشوری که در هر شاخص بهترین عملکرد را داشته است، آرمان‌شهر توسعه است و کشوری که بدترین عملکرد و نمره را داشته، ویران‌شهر تلقی می‌شود. بر همین اساس نمره آرمان‌شهر معادل ۱۰۰ و نمره ویران‌شهر معادل صفر در نظر گرفته می‌شود و نمره همه کشورها با همان تنظیمات بین صفر تا ۱۰۰ تعدیل می‌شود و نمره جدیدی برای آنها محاسبه می‌شود. این نمره دقیقاً نمایش می‌دهد وضعیت یک کشور در بین کشورهای دیگر به چه صورت است و آن مشکل بیان‌شده نیز برطرف می‌شود.

مجدداً افزایش شاخص توسعه بعد از نردبان‌شدن همه شاخص‌ها محاسبه می‌شود و با عنوان نردبان توسعه نمایش داده می‌شود. نمره نهایی نردبان توسعه برای هر کشور نشان می‌دهد اگر توسعه را ۱۰۰ پله تصور کنیم که بهترین کشور امروز دنیا در پله صدم است و بدترین کشور در پله صفر قرار دارد، هر کشور توانسته چند گام از این نردبان را طی کند.

۷-۳- روش‌شناسی شاخص توسعه متوازن

نکته بسیار مهم این است که بعضی از کشورها در برخی از شاخص‌های توسعه وضعیت بسیار خوبی داشتند و در برخی دیگر وضعیت بسیار بدی داشته‌اند. نمره نردبان توسعه چنین کشورهایی با نمره کشورهایی که در همه شاخص‌ها وضعیت متوسطی داشته‌اند یکسان می‌شود. بنابراین نمی‌توان تشخیص داد که کدام کشور در شاخص‌های مختلف چه وضعیتی داشته است. با توجه به مبانی نظری توسعه، کارآمدی و اثربخشی شاخص‌های توسعه منوط به سایر شاخص‌ها است. به‌عنوان مثال اگر کشوری در شاخص توسعه انسانی وضعیت بسیار بالایی دارد و نیروی انسانی تحصیل‌کرده فراوانی داشته باشد و طول عمر آنها نیز بالا باشد، اما شاخص‌های اقتصادی و کسب‌وکار آنها مناسب نباشد، و یا شاخص‌های نوآوری آنها پایین باشد، باعث افزایش بیکاری افراد تحصیل‌کرده می‌شود و در نتیجه بالا رفتن شاخص توسعه انسانی نیز اثربخش نیست. از این‌رو در بین دو کشور با یک نمره توسعه کل (جایگاه یکسان در نردبان توسعه) کشوری که شاخص‌های آن نزدیک به هم باشد وضعیت بهتری نسبت به کشوری دارد که در برخی شاخص‌ها بسیار بالا و در برخی از شاخص‌ها بسیار پایین باشد.

نردبان توسعه و افزایش شاخص توسعه نمی‌تواند چنین امری را نمایش دهد. بنابراین برای نمایش این مفهوم، شاخص توسعه متوازن طراحی شده است. بر این اساس ضریب تغییرات نمره شاخص‌های توسعه (نردبان توسعه) یک کشور استخراج می‌شود (از تقسیم انحراف معیار شاخص‌ها بر نمره نردبان توسعه) و سپس درصد تغییرات از نمره کل نردبان توسعه کسر می‌شود. به این ترتیب هر چقدر تغییرات و نوسانات شاخص‌ها بالاتر باشد، نمره شاخص متوازن کمتر می‌شود و در نهایت کشوری که همه شاخص‌های

آن با هم یکسان باشد، چون انحراف معیار ضریب تغییرات آن صفر می‌شود، نمره شاخص متوازن با نمره فراشاخص توسعه یکسان خواهد شد. تفاوت بین نمره فراشاخص و نمره شاخص توسعه متوازن نشان از عدم توازن موجود در توسعه کشورهاست که هرچقدر بیشتر باشد هدررفت سرمایه‌ها نیز بیشتر است.

۷-۴- دسته‌بندی کشورها بر اساس توسعه‌یافتگی

نمرات فراشاخص و همچنین نردبان توسعه کشورهای مختلف محاسبه شده‌اند و بنابراین می‌توان کشورهای مختلف را رتبه‌بندی کرد. رتبه ایران در بین کشورهای مختلف نیز در بخش فراشاخص به‌دست آمد. برای این امر کشورهایی که نمره بیش از ۱۰ شاخص از ۱۳ شاخص برای آنها موجود بود، در نظر گرفته شدند که این تعداد ۱۴۷ کشور بودند و میانگین نمرات استاندارد شده آنها در شاخص‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفت تا بتوان نمره‌ای نهایی برای همه آنها بدست آورد و رتبه‌بندی را انجام داد.

حال باید کشورها را دسته‌بندی کرد تا بینیم ایران در چه دسته‌ای از توسعه قرار می‌گیرد. منابع مختلف کشورها را به روش‌های مختلفی دسته‌بندی و نامگذاری کرده‌اند. برخی آنها را توسعه‌یافته، درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته می‌نامند و برخی دسته‌های بیشتری را ایجاد می‌کنند. در نهایت با مشاهده همه دسته‌بندی‌های موجود در دنیا و همچنین در نظر گرفتن ملاحظات لغتی و نظری در جلسات بارش فکری، تصمیم بر این شد که کشورها به پنج دسته با عناوین زیر تقسیم شوند:

۱- کشورهای توسعه‌یافته،

۲- کشورهای پیشرو در توسعه،

۳- کشورهای در آستانه توسعه،

۴- کشورهای در دامنه هشدار،

۵- کشورهای در دامنه اخطار (کمتر توسعه‌یافته)!

برای اینکه پنج دسته فوق شکل بگیرد، می‌توان بر اساس تعداد کشورها دسته‌بندی را انجام داد. یعنی از بین ۱۴۷ کشور پنج دسته ۳۰ تایی تشکیل داد. اما این روش مشکلی که دارد از جمله اینکه در برخی از دامنه‌ها نمره توسعه کشورها بسیار به هم نزدیک است و کشورهای زیادی در آن دامنه قرار می‌گیرند و در برخی دیگر از دامنه‌ها فاصله نمرات از هم زیاد است و لذا مثلاً ۳۰ کشور اول فاصله زیادی با هم دارند، اما ۳۰ کشور وسط فاصله بسیار کمتری از همدیگر دارند. بنابر این مبنای تعداد کشور نمی‌توانست درست باشد.

می‌توانستیم نمره توسعه که از ۱۰۰ نمره در نظر گرفته شده است را به پنج دسته تقسیم کنیم. یعنی کشورهایی که نمره آنها بالاتر از ۸۰ است را در زمره کشورهای توسعه‌یافته و بقیه دسته‌ها به‌ترتیب بین ۶۰ تا ۸۰ و به همین صورت تا کشورهایی که نمره آنها پایین‌تر از ۲۰ در نظر می‌گرفتیم. در چنین روشی نیز کشورهایی که نمره آنها کمتر از ۲۰ باشد وجود نداشتند و هیچ کشوری در این فاصله قرار نداشت. همچنین کشورهای با نمره بالاتر از ۸۰ بسیار کم هستند و در مقابل کشورهای بین ۴۰ تا ۶۰ بسیار زیاد هستند.

در نهایت با برگزاری جلسات همفکری به این نتیجه رسیدیم که باید بهترین نمره توسعه را پیدا کرده و کمترین نمره توسعه را نیز به دست آوریم. فاصله بین این دو نمره را به پنج دسته مساوی تقسیم کنیم. دامنه نمره‌ای به دست آمده را مبنای تقسیم‌بندی کشورها قرار دهیم. بعنوان مثال بالاترین کشور نمره ۸۳ را به خود اختصاص می‌داد و کمترین کشور نیز نمره ۳۳ که فاصله ۵۰ نمره‌ای دارند. بنابراین کشورهای بین ۷۳ تا ۸۳ کشورهای توسعه‌یافته خواهند شد و به همین رویه بقیه دسته‌ها نیز ایجاد می‌شوند.

۷-۵- محاسبه نرخ رشد هریک از شاخص‌ها برای ایران

برای محاسبه نرخ رشد به دلیل اینکه اولاً نرخ رشد سال اخیر نمی‌تواند ملاک خوبی برای نمایش رشد هر شاخص باشد، ثانیاً تعداد سال‌هایی که هریک از شاخص‌ها دارای داده هستند، متفاوت است، نمی‌توانستیم از نرخ رشد سال آخر و نرخ رشد کلی استفاده کنیم. برای اینکه بتوان نرخ‌های رشد را با هم مقایسه نمود در نهایت به روش میانگین هندسی نرخ رشد سالیانه رسیدیم. به این صورت که از نرخ رشد کلی که در طول تمام سال‌های قبل در شاخص مربوطه اتفاق افتاده بود، میانگین هندسی گرفتیم. در نتیجه به میانگین هندسی نرخ رشد سالیانه دست یافتیم که هم قابل مقایسه با یکدیگر است و هم می‌تواند روند کلی شاخص را نیز نمایش دهد.

۷-۶- پیش‌بینی ایران ۲۰۴۰

سؤال بسیار جذابی که همه اهل توسعه از ما می‌پرسند این است که اگر با همین روند ادامه دهیم چه می‌شود؟ توسعه ایران به کجا می‌رسد؟ مثلاً در ۲۰ سال آینده شاخص‌های توسعه چه اعداد و ارقامی خواهد بود؟ برای این منظور نمی‌توان بر اساس نرخ رشد‌های سال اخیر نظر داد و روند کلی بلندمدت را باید ملاک قرار داد. البته جزئیات شکست ساختار و... نیز خود جای بحث و مطالعه دارد. اما حداقل در ۲۰ سال اخیر شکست ساختار خاصی در ساختار نهادی ما رخ نداده است. در حال بر اساس روند گذشته اگر بخواهیم آینده را پیش‌بینی کنیم باید روند هر شاخص تداوم یابد و به ۲۰ سال آینده تمديد شود.

برای این منظور روندهای هریک از شاخص‌ها استخراج شد و با تخمین خطی شیب و عرض از مبدأ خط تخمین به دست آمد و همان روند را تا ۲۰ سال آینده ادامه دادیم. به این ترتیب شاخص‌های توسعه در سال ۲۰۴۰ مشخص شد که ساختار و نردبان توسعه را نمایش می‌دهند.

۷-۷- روش‌شناسی تحلیل SWOT

سؤال اصلی تحلیل SWOT این است که اولاً ایران باید چه استراتژی را برای توسعه در پیش بگیرد و ثانیاً مشخص شود ایران دقیقاً در چه محورهایی از توسعه دارای قوت و در چه محورهایی دچار ضعف است. روش پیدا کردن ضعف و قوت و فرصت و تهدید به این صورت انجام شده است که میانگین جهانی در ۱۲۶ زیرشاخص توسعه محاسبه و نمرات ایران نیز در زیرشاخص‌های توسعه در سال ۲۰۲۰ نمایش داده شده است. اگر نمره ایران از میانگین جهانی بالاتر باشد، به این معناست که ایران وضعیت نسبتاً مناسبی در شاخص مربوطه دارد و هرچقدر فاصله ما از میانگین جهانی بیشتر باشد، به معنی بهتر بودن وضعیت ما در آن محور از توسعه است. بنابراین محور مربوطه یا فرصت و یا قوت ایران محسوب می‌شود. همچنین محورهایی که کمتر از میانگین جهانی

باشد ضعف و یا تهدید محسوب می‌شوند. حال برای اینکه بدانیم محوری که بالاتر از میانگین جهانی است، فرصت یا قوت است، باید ببینیم که آیا محور مربوطه منشأ داخلی دارد و به اصطلاح تغییر آن مبتنی بر نیروهای داخلی صورت می‌گیرد که در این صورت قوت خواهد بود و اگر بر اساس نیروها و منشأ خارجی شکل می‌گیرد فرصت خواهد بود. در مورد تمایز بین تهدید و ضعف نیز دقیقاً به همین صورت عمل می‌شود. در این مرحله شناسایی منشأ و ریشه هریک از محورهای توسعه از نظر نخبگان استفاده شده است و عموم نخبگان معتقد بودند که بیشتر محورهای توسعه هم منشأ داخلی و هم منشأ خارجی دارد. بنابراین بخشی از آن محور جزء ضعف‌ها و بخشی جزء تهدیدها در نظر گرفته می‌شود و همچنین بخشی از محور مثبت بخشی جزء قوت و بخشی جزء تهدید تلقی می‌شود.

حال برای ادامه فرآیند سوات نیازمند این هستیم که مشخص کنیم وزن و بزرگی هریک از این محورها چقدر است. یعنی ضعف بزرگ و ضعف کوچک از هم جدا شوند. برای این منظور عدد فاصله بین میانگین جهانی و نمره ایران در زیر شاخص مربوطه می‌توانست به ما کمک کند که بزرگی آن را مشخص کنیم. در نتیجه اگر این عدد مثبت بود به عنوان بزرگی و اهمیت قوت و یا فرصت در نظر گرفته شد و اگر منفی بود به عنوان بزرگی و اهمیت ضعف یا تهدید در نظر گرفته شده است. که بر اساس همان نظر نخبگان که قبلاً توضیح داده شد، داخلی و خارجی بودن منشأ آنها بررسی و ارزیابی شده بود.

در نهایت وزن دهی صورت گرفت و میانگین اوزان قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها با هم جمع شد تا مجموع ضعف و قوت یک عدد برای محور افقی و مجموع فرصت و تهدید نیز یک عدد برای محور عمودی مختصات تعیین کنند و با تشکیل زوج مرتب یک نقطه به عنوان نقطه نهایی استخراج شود. این نقطه که به نوعی میانگین همه نقاط قبلی (۱۲۶ زیرشاخص) است جایگاه استراتژیک ایران را مشخص می‌کند، که نشان می‌دهد بهترین استراتژی برای ایران کدام است. اگر این نقطه در بخش اول مختصات قرار می‌گرفت کشور باید با تمرکز بر قوت‌ها و فرصت‌ها به پیش رود و به اصطلاح استراتژی تهاجمی را در پیش بگیرد. اگر در بخش دوم مختصات قرار می‌گرفت کشور باید با تمرکز بر فرصت‌ها، ضعف‌های موجود را پوشش دهد و یا قوت‌هایی را خلق کند تا بتواند با ضعف‌های خود مقابله کند. اگر در بخش سوم مختصات قرار می‌گرفت باید با تمرکز بر قوت‌ها از تمامی تهدیدهایی که پیش روی اوست اجتناب کند و یا آنها را پوشش دهد، تا فرصت‌ها خلق شوند. در نهایت اگر در بخش چهارم مختصات قرار می‌گرفتند باید با تمرکز بر ضعف‌ها و تهدیدها تنها به دنبال پوشش ضعف‌ها و همچنین اجتناب از تهدیدها باشد و از هر رفتار و راهبردی که منجر به تشدید ضعف یا تهدید شود دوری کند.

۷-۸- روش‌شناسی نقشه توسعه

برای اینکه نقشه توسعه ایران را بتوان استخراج کرد باید وضعیت همه زیرشاخص‌های توسعه مشخص شود. از تحلیل SWOT و با مقایسه وضعیت هر زیرشاخص با میانگین جهانی، وضعیت نسبی زیرشاخص‌ها مشخص شده است و تنها کافیست دسته‌بندی صورت بگیرد. دو نوع دسته‌بندی باید در نقشه توسعه رخ دهد. نخست، دسته‌بندی موضوعی، به این صورت که زیرشاخص‌ها باید در پنج حوزه اصلی توسعه طبقه‌بندی شود تا مشخص شود وضعیت در هریک از حوزه‌ها به چه صورت است. حوزه‌های مورد توافق عبارت بودند از:

- ۱- حوزه سیاسی-حقوقی
- ۲- حوزه اقتصادی-کسب و کار
- ۳- حوزه اجتماعی-فرهنگی
- ۴- حوزه توانمندی فردی
- ۵- حوزه طبیعی و زیست محیطی

بعد از اینکه زیرشاخص‌ها در این پنج دسته طبقه‌بندی شدند (که با نظر نخبگان و جلسات طوفان فکری انجام گرفت) باید هریک از زیرشاخص‌ها بر اساس وضعیت آنها نسبت به میانگین جهانی رنگ‌بندی شوند. رنگ سبز نمایانگر عملکرد برتر ایران نسبت به میانگین جهانی، رنگ زرد نمایانگر عملکرد هم‌سطح ایران با میانگین جهانی، و رنگ قرمز نمایانگر عملکرد ضعیف ایران نسبت به میانگین جهانی در آخرین سال انتشار گزارش هر کلان‌شاخص است. حال وضعیت زیرشاخص‌های هر حوزه مشخص می‌شوند و همچنین به‌طور کلی نیز مشخص می‌شود که زیرشاخص‌های توسعه برای ایران بیشتر چه رنگ‌هایی را دارند.

۷-۹- روش‌شناسی شاخص توان تبدیل پول به توسعه

رابطه بین درآمد سرانه کشورها به دلار با فراشاخص توسعه نشان می‌دهد هرچه کشورها به لحاظ درآمد سرانه وضعیت بهتری داشته باشند، فراشاخص توسعه آنها نیز بهتر است. این رابطه بسیار قوی و معنادار است. اما در این میان برخی از کشورها از درآمدهای به‌دست‌آمده بهتر در جهت توسعه استفاده کرده‌اند و برخی دیگر نتوانستند از این درآمدها برای توسعه استفاده کنند که این نشان می‌دهد موانع توسعه را نه در درآمد ملی بلکه باید در ابعاد سیاسی، اجتماعی و در مجموع ساختار نهادی جست‌وجو کرد؛ موانعی که اجازه نداده‌اند درآمد ملی به توسعه تبدیل شود.

بر این اساس ابتدا باید میزان توسعه بالقوه باتوجه به درآمد هر کشور محاسبه می‌شدند. این امر بر اساس میانگین عملکرد جهانی از تبدیل پول به توسعه (همبستگی بین درآمد و فراشاخص توسعه) و تخمین منحنی رگرسیونی آن به‌دست می‌آید. درآمد هر کشور که در فرمول آن منحنی قرار گیرد، مقدار توسعه بالقوه‌ای که به‌طور متوسط در جهان با این مقدار درآمد تحقق یافته است، حاصل می‌شود. وضعیت واقعی توسعه عدد دیگری را نمایش می‌دهد. اگر وضعیت واقعی توسعه از مقدار توسعه بالقوه کشور بالاتر باشد، یعنی کشور مربوطه حتی از وضعیت بالقوه خود بهتر عمل کرده است و به شکلی کاملاً کارآمد، درآمدهای کشوری را به توسعه تبدیل کرده است. اما اگر وضعیت واقعی توسعه پایین‌تر از وضعیت بالقوه باشد، یعنی کشور نتوانسته است درآمدهای به‌دست‌آمده را به توسعه تبدیل کند و دچار ناکارآمدی‌های نهادی و ساختاری است.

اگر فاصله توسعه بالقوه بر اساس درآمد با توسعه تحقق‌یافته نسبت به کل توسعه تحقق‌یافته را در نظر بگیریم و آن را در ۱۰۰ ضرب کنیم، میزان درصدی محاسبه می‌شود که کشور با توسعه بالقوه خود فاصله داشته است. سپس کشورها را می‌توان بر اساس این درصد رتبه‌بندی کرد. این امر در گزارش انجام شده و بر اساس آن ایران در این رتبه‌بندی هفتمین کشور از آخر است.

۸- روش تحلیل شاخص‌ها

خلاصه‌ای از نتایج گزارش شاخص ملی توسعه ایران آماده شد و به همراه رتبه ایران در فراشاخص توسعه به صورت نامه‌ای برای ۲۷۰ نفر از اساتید و اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه‌ها ارسال شد. این اساتید از رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد، علوم اجتماعی، علوم فرهنگی و... بودند و بیشتر آنها در دانشگاه‌های داخل ایران مشغول به کار هستند.

از مجموع نامه‌های ارسال شده ۲۴ نفر پاسخ و تحلیل خود را برای پویش ارسال کردند که برخی اجازه مطرح شدن ذکر نامشان را هم دادند و برخی ترجیح دادند بدون نام از تحلیل‌های آنها استفاده کنیم. در مجموع یک گزارش تحلیل از جواب این نامه‌ها تدوین شد و به‌عنوان فصل تحلیل در کنار گزارش منتشر خواهد شد.